

انقلاب ایران در مبارزه بر ضد امپریالیسم امریکا

بوجود آمده است

حجت الاسلام خوئی‌ها همیشه دشمن است» و این واقیبت باید «ب عنوان شاخص و بعنوان يك میزان» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

اگر این واقیبت محور اصلی و شاخص و میزان سیاست خارجی ما قرار گیرد، نحوه رابطه ما با دیگر کشورها نیز در حول همین محور اصلی و بر مبنای همین شاخص و میزان، بطور عمده مشخص خواهد شد، و سیاست خارجی ما از کج رویها، از گمراهیها، از دامها تا حدود زیادی ممنون و درمان خواهد بود.

حجت الاسلام خوئی‌ها، که دشمنی هینگی آمریکا را بعنوان شاخص و میزان سیاست خارجی ما عنوان کرده اند، به درستی به این نتیجه رسیده اند که: «کشورهای که روابطشان با آمریکا بطوری است که بسا

خصومت آمریکا (و دارو دسته دولتهای متحد و یا دست نشانده آن) نسبت به انقلاب استقلال بخش ایران، نسبت به ایرانی مستقل، پان پذیر نیست، چنانکه نسبت به هیچیک از کشورهای جهان، که در عصر ما خود را از چنگ سرمایه داری امپریالیستی رها ساخته اند، نسبت به هیچیک از کشورهای جهان، که استقلال خود را بدست آورده اند و یا در راه کسب استقلال خود مبارزه میکنند، پایان نیافته است، پس دشمن اصلی انقلاب ما و استتلال آمریکا خواهد بود. بنابراین مبارزه ما با آمریکا آشتی ناپذیر و همیشگی خواهد بود، و بهین دلیل، اگر سیاست خارجی ما بخواهد در خدمت انقلاب و برای کسب استقلال واقعی و همه جانبه ایران عمل کند، محور اصلی آن باید مبارزه با آمریکا باشد، بعنوان دشمن همیشگی و آشتی ناپذیر باشد. «آمریکا» - بکنته

این گفته‌های حجت الاسلام خوئی‌ها میتواند، و ب نظر ما باید، محور اصلی و اساسی منشی ما را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد.

درواقع نیز انقلاب ایران رژیم دست نشانده شاه مملو را بعنوان مانعی که سر راه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکایی بر انداخت (انقلاب اول) و پس از آن، انقلاب بسوی هدف اصلی (استقلال) ادامه یافت و وارد مرحله «انقلاب بزرگتر از انقلاب اول» انقلاب برای ریشه کن کردن سلطه و نفوذ (سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی...) امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، گردید. این انقلاب ادامه دارد.

دشمن اصلی انقلاب امریکاست و برای همیشه آمریکا، آمریکا و دیگر دولتهای امپریالیستی متحد آمریکا، آمریکا و همه دولتهای دست نشانده آمریکا، آمریکا بعنوان سرکرده امپریالیسم و ارتجاع جهانی خواهد بود.

تازه ترین شکل فعالیت ضد انقلاب: مخالفت با جیره بندی کالاهای ضرور

«دکترین»ها میگردند، کتر چین تازمانی همان «حکمرکنیسم» و «متراکم سوسیالیسم» کهنه و مندرس پیدا میکنند.

در شرایط کنونی نمیشود آشکارا گفت که جیره بندی لازم نیست، برای توده های مردم مشر است، بدست اینست که جیره بندی با سوسیالیسم، مساوی و «سوسیالیسم» با «کوپن» یکسان قلمداد میشود کسی، نهادی، مقامی و از گانه که دست به جیره بندی و بخش کوپن میزند، مروج اصول «کوپنیستی» و پیاده کننده «سوسیالیسم» معرفی میشود!

ادعائی که آنقدر مضحک است که نیازی به رد کردن ندارد. منظور اصلی از این گونه «القاء ایدئولوژی» اینست که از یکسو، از غارتگری شش بزرگ مالک فئودال، کلان سرمایه دار وابسته و تاجر محکوم سودجو بطور غیر مستقیم پشتیبانی شود برای آزادی در چپاوتگری و بهره کشی انسان از انسان شرایط فراهم گردد. از سوی دیگر، از حساسیت بی مورد و اغلب بیامار گونه ای که بعضی مخالف و یقه در صفت ۲

سوءاستفاده عده ای کلان سرمایه دار وابسته، بزرگ مالک غارتگر و تاجر و محکر، که متاسفانه هنوز در کشور وجود دارند و با کمال بی انصافی به چپاول و حشکشان و بر کردن جیب خود مشغولند، ضروری است.

همانطور که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، بکرات متذکر شده اند، انقلاب شکوهمند ایران را همین کسوخ نشینان، همین مستضعفان کرده اند که اکنون نیز در عمل، در جبهه های جنگ تحمیلی، قهرمانانه با خون خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند. در این شرایط، ضرورت جیره بندی کالاهای مورد نیاز بقدری است که هر کس آشکارا و مستقیما با آن مخالفت کند، ماهیت ضد خلقی خود را فاش میسازد. اینجاست که باز ایدئولوگهای رنگارنگ، بویژه لیبرالهای هوادار آزادی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته به میدان می آیند، تا نقش خود را ایفا کنند و طیفه «اندیشمندی» را اجرا نمایند، و با کمال تاسف برای آنها، هر چه بیشتر در پایکالی اندیشه ها و پیشها و

مردم زحمتکش مستضعف کشور هنوز از زیر بار فجایع امپریالیسم چپانوار، بسرکردگی آمریکا، و میراث پلید رژیم طاقتور دست نشانده آن کمر راست نکرده، دچار جنگ تحمیلی شده اند. این جنگ که حلقه ای از زنجیر پیوسته توطئه های گسترده و برنامه ریزی شده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری نوپای اسلامی ایران است، هنگامی بدست رژیم چپانکار سدام به ماتمیل شده است که امپریالیسم آمریکا از جبهات مختلف تدارکات قبلی آنرا دیده بوده، یعنی دارائیهای ایران را در بانکهای خود مسدود کرده، محاصره اقتصادی علیه ایران اعلام نموده، فشارها و تحریکات سیاسی، دیپلماتیک و ایدئولوژیک را در داخل و خارج ایران گسترش داده، تهاجمات مستقیم (طیس و نوز) رایج کرده، «نیروهای واگش سریع» را در منطقه بسیج نموده، نوارکان دریایی خود و همیمانان خود را در آبهای منطقه و مجاور آن تمرکز داده است. کشوریکه طی سالیان دراز همه مشربانی حیاتی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آن، با هزاران رشته مرئی و نامرئی، بوسیله رژیم خیانت پیشه شاهنشاهی در دست به نفوذ عمیق و سلطه خائنانه بر انداز اربابان مراء اقیانوس رژیم سیرده شده بود، واضح است که بادشوارای- های جدی رو برو میشود. در چنین شرایطی آشکار است که جیره بندی کالاهای مورد نیاز هنگامی ضرورت پیدا میکند.

نهادهای انقلابی و ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران، که در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام با غمی راسخ پیش میروند، در این شرایط غیرعادی بدستی یک رشته اقدامات ضرور جهت توزیع عادلانه کالاهای مورد نیاز عموم دست زده اند. تردیدی نیست که جیره بندی و بخش کوپنهای توزیع عادلانه کالاهای مورد نیاز برای جلوگیری از

آزادی فوری رفیق تیجانی طیب، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را خواستاریم

چنانکه اطلاع یافته ایم، پلیس سودان رفیق تیجانی طیب، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست سودان، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و مسئول روابط بین المللی حزب برادر را دستگیر کرده و او را زیر شکنجه های سبانه قرار داده است. ما ضمن ابراز همبستگی خود با پیکار جانبازان حزب کمونیست و مردم سودان علیه رژیم ارتجاعی آن کشور، خواهان آزادی فوری و بلاشرط رفیق تیجانی طیب هستیم.

در ضمن، کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تلگرامی به دولت سودان، نسبت به توقیف و شکنجه رفیق تیجانی طیب اعتراض کرده و آزادی فوری وی را خواستار شده است.

حجت الاسلام موسوی خوئی‌ها رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی - مطالبی درباره سیاست خارجی اطهار داشته اند (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذرماه ۵۹) که برای بنیان گذاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسیار مهیابند.

حجت الاسلام خوئی‌ها به این واقیبت اشاره کرده اند که: «انقلاب ایران اساسا در جهت مبارزه بر علیه استعمار آمریکادار

نامه

مرکز

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۱۶
دوشنبه ۱ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۴ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

نقش سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی

صفحه ۲

طی یک سری عملیات منظم در ۲ روز گذشته: نیروهای انقلاب تلفات سنگینی در جبهه های مختلف بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند

* ۲۱ دستگاه تانک متجاوزین در جبهه های جنوب نابود شد.

نبرد بی امان رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه ها بیوقفه ادامه دارد. خبرنگار خبرگزاری پارس، در آخرین ساعات شب، در تماس با یکی از مسئولان اطاق عملیات اهواز کسب اطلاع کرد

که: رزمندگان دلیر جمهوری اسلامی ایران در جبهه های کرخه کور، آب تیمور، فارسیات و الله اکبر توانستند ۲۱ دستگاه تانک، یک عراده توپ، ۳ دستگاه نفربر، بقیه در صفت ۴

پیروزی بزرگ «اوپک» دریالی

در دفاع از منافع حیاتی کشورهای نفت خیز در حال رشد در مسئله افزایش قیمت های نفت برداشت و بزرگترین آزمایش دوران ۲۰ ساله فعالیت خود را با موفقیت از سر گذراند. «اوپک»، بعنوان سازمانی که می تواند از منافع کشورهای نفت خیز در حال رشد در برابر تهاجمات اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم و انحصارات نفتی دفاع کند، ثابت کرد که قابلیت حیات دارد و در سخت ترین شرایط قادر است، وحدت خود را، که پایه و اساس مبارزات مشترک ملل و دول کشورهای نفت خیز است، علی رغم پیدایش اختلافات و تحریکاتی که امپریالیسم آنرا ایجاد و دامن میزند، حفظ کند.

اجلاسیه «اوپک» در «پالی» همچنین از نظر شرایط خاص کشور ما و آنچه افکار عمومی به این حقیقت که، تجاوز نظامی رژیم صدام به کشور ما، توطئه توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده، نتایج نمریختی بهر راه داشت. یکبار دیگر تایید شد که، سیاست خارجی ایران در جهت همکاری فعال با همه نیروهای ضد امپریالیستی در همه جبهه ها، منجمله در جبهه مبارزه ملل کشورهای نفت خیز علیه امپریالیسم و کارتل بین المللی نفت (هفت خرازان)، اقدامی است بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که دید وسیع از آن استفاده بعمل آید.

برای دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، که در انتظار از هم- یزدگی «اوپک» - سازمان کشورهای صادر کننده نفت بودند، پیروزی کفرانی «اوپک» در «پالی» (اندونزی) يك هفته است، همچین کس که به مکانیسم درونی مبارزه ضد امپریالیستی و توانائی ژو بیرون نیروهای محرکه این مبارزه، آگاهی ندارند، می توانند موفقیت «اوپک» را «معجزه» و «تصادف» ارزیابی کنند. لیکن برای نیروهای انقلابی و آزادی بخش، همانگونه که ما در نوشته روز ۲۶ آذر ۵۹ نامه «مردم» خاطرنشان ساختیم، پیروزی «اوپک» در کفرانس کنونی امری قابل پیش بینی و مورد انتظار بود.

پیروزی «اوپک» در «پالی» نشان داد که، همانطور که امپریالیسم یاندر نره برای برگرداندن چرخ تاریخ و شکست جنبشهای انقلابی استقلال طلبانه است، همانگونه هم انحصارات امپریالیستی نفت دیگر قادر نیستند اوضاع را بحال سابق بسرگردانند و آهشی و غارت امپریالیستی و نو استعماری خود را در کشورهای نفت خیز در حال رشد حیا کنند. برخلاف این قمار، آنها مجبور به عقب نشینی های سری ز مواضع غارتگرانه هستد و در برابر مبارزه روزافزون خصما در اه رهائی از سلطه اقتصادی و غارت امپریالیستی، چاره ای جز تسلیم ندارند.

به ایگدر هیئت ایرانی شرکت کنند در کفرانس «اوپک» در «پالی» نه فقط به اتمام تسکیرانه رژیم چپانکار سدام در نگاه داشتن وزیر نفت ایران در اسارت، اعتراض جدی بعمل آمد، بلکه همچنین بشهر معتبری در جهت دفاع از منافع کشورهای در حال رشد مسرف- کسده نفت مطرح گردید، طبق این پیشنهاد، ۱۰ درصد درآمد حاصله از افزایش قیمت های نفت اعضاء «اوپک» برای کمک به کشورهای در حال رشد احساس داده می شود، که طبیعتا قدرت خریداری نفت با قیمت های در حال افزایش را ندارند و در نتیجه اقتصاد آنها زیان می رسد. همدردی انضام «اوپک» با این کشورها، که خود بنوعی دیگر زیر سلطه دول امپریالیستی و انحصارات نفتی قرار دارند، يك ضرورت مزره و اهمی ضد امپریالیستی است، که از پیروزی آن همه حلقه ها و مس زین ستم، نفع می برند.

کفرانس «اوپک» در «پالی» مقارن بود با گذشت ۲۰ سال از آغاز موجودیت این سازمان. کسب پیروزی تازه «اوپک»، آنهم در شرایطی که ایران انقلابی یکی پس از دیگری بر توطئه های امپریالیسم امریکادار و فسادات داخلی در ... نشانه آنست که «اوپک» در هر دو عرصه حرد، پیروزیهای عظمی را به ملل کشورهای نفت خیز بقیه در صفت ۴

اما اهمت آنچه در کفرانس کنونی «اوپک» در «پالی» بوقوع دست، حتی چیزی بالاتر از يك پیروزی عادی برای «اوپک» است. تکلیف کفرانس «اوپک» در «پالی»، در شرایطی که امپریالیسم امریکادار عمده «اوپک» (عراق) را به جنگ تجاوزی علیه عضو دیگر «اوپک» بران، در سبترین منطفه نفت خیز جهان برانگیخته است، همچنین سیمات مشترکی که کفرانس در زمینه افزایش قیمت نفت سه زان ۱۰ درصد اتخاذ کرد و جوی که کفرانس در آن برگزار د، می تواند به معنی و اهمی کلمه پیروزی بزرگ برای «اوپک» بشمار د. بزرگ از این جهت که، کفرانس با تصمیمات خود، قدم مهمی

«انقلاب اسلامی» همزمان «شاهد»؟!»

سر مقاله مورخ ۲۹ آذر ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی» بلافاصله از رادیو اسرائیل پخش شد و خبرنگارهای امپریالیستی آنرا با آب و تاب مخابره کردند

صفحه ۸

پیام تسلیمت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق ارجمند! کمیته مرکزی حزب توده ایران با اسره فراوان در گذشت راجل برجسته جنبش بین المللی کمونیستی و کورگری، فرزند وفادار حزب کبیر لنینی اتحاد شوروی، دولسرد بزرگ و رئیس پیشین شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، الکسی نیکولایوویچ کلسینین آگاهی یافت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بدینوسله همدردی عمیق خود را با کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و از طریق شما، به همه کمونیستهای اتحاد شوروی و مرده قبرمان شوروی ابراز میدارد.

با درودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
دینار اول: نورالدین کیانوری
۳۰ آذر ۱۳۵۹

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

سوء استفاده ستون پنجم آمریکا

وی افزود: «به علت تبلیغات و تحریکاتی که صورت گرفته، مردم راضی نبودند از شادگان خارج شوند، ولی وضع برای آنها توجیه و قرار شد که آنها به اردوگاههای دیگری منتقل شوند. در حال حاضر در اردوگاه جیرفت امکانات مساعدی برای آوارگان وجود دارد که هنوز از آنها استفاده نشده است. این اردوگاه از شادگان و بروجرد بسیار مناسبتر است.»

عیرسلیم سپس به وضع آن دسته از آوارگان، که هنوز از دولت حقوق میگیرند اشاره کرد و گفت که اینها می توانند مایحتاج خود را از شرکت های تعاونی تأمین کنند. وی همچنین گفت:

«اما در مورد سایرین که از این امکان محرومند، چیره غذایی در نظر گرفته شده است.»

معاون وزارت کشور آنگاه وضع اردوگاههای مختلف را تشریح کرد. پس از پایان توضیحات مسئولین وزارت کشور، نماینده خونین شهر ضمن تأکید بر اینکه به استواری وی جواب داده نشده است، گفت:

«این مسئله بصورت خطرناکی درآمد و ستون پنجم از این وضع استفاده می کند... در حال حاضر ۵۰۰ هزار نفر از آوارگان زیر پوشش دولت هستند، بقیه حقوق بگیرند که تازه کم کردن حقوق آنها و رساندن آن به میزان دوسوم حقوق قبلی منطقی نیست... چون این جنگ، جنگ با ایران و انقلاب ماست و باید اثر آن را همه حس کنیم. چرا باید معلمی که در بروجرد است، حقوق کامل بگیرد، ولی آن معلمی که جنگ زندگی ویرا از وی گرفته، دوسوم حقوق خود را بگیرد، آنهم در آوارگی!»

در حاشیه مجلس

فعالیت ضدانقلابی گروهک پیکار

عطا مهاجرانی، یکی از نمایندگان مجلس، در جلسه دیروز تأکید کرد که عوامل گروهک ضدانقلابی پیکار خود را در ستون آوارگان جنگ جا زده اند و زیر نام آنها تظاهرات راه می اندازند. این کشته نماینده مجلس، لزوم توجه به نقش مغرب گروهک های مانویستی را بیش از پیش مطرح می کند.

پیروزی بزرگ...

بقیه از صفحه ۱ در حال رشد عرصه خواهد کرد و نقش فعالتری را در پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی همه خلفهای جهان ایفا خواهند نمود. البته امپریالیسم انحصارات غارتگر فتنی از توطئه علیه «اروپا» دست برنخواهد داشت. اما «اروپا» نشان داده است که، علی رغم همه این کارشکنی ها و توطئه ها، می تواند بعنوان سازمانی معتبر در مبارزه ضدامپریالیستی را، خود را بجلو باز کند.

تصحیح

در مقاله «اروپا»، چهارشنبه ۲۶ آذر ۵۹، صفحه دوم، ستون دوم، سطر هشتم از پایین صفحه بجای «توسط افرادی»، با ملرد افرادی، خوانده شود.

تازه ترین شکل...

بقیه از صفحه ۱ افراد در مقابل سوسیالیسم عمل دارند، سوءاستفاده شود، آنها تحریک کرده علیه سوسیالیسم بسدا درآورند، جو انقلابی متشنت کنند. همکاری و اتم نیروهای مومن به انقلاب و معت به جمهوری اسلامی ایران را تفرقه و نفاق مبدل سازند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

نویس - ب ۱۰۰۰۰ ریال
مینا ایزاده - ب ۱۹۰۰۰ ریال
ب - ن ۵۰۰ ریال
ج - ج ۹۰۰۰ ریال
علیز شرفضا ۵۰۰۰۰ ریال
منصور - ج از شهر کرد ۵۰۰ ریال
ماندانا (از قلك) از شهر کرد ۴۵۰ ریال
رضاشهرکرد ۵۰۰ ریال
ارشدان شهر کرد ۸۰۰ ریال
پانسان گرازشهر کرد ۵۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی میردازند.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) طی يك سری عملیات حساب شده با راکت مواضع دشمن را درهم کوبیدند که در این عملیات خساراتی به دشمن وارد آمد. سرهنگ عطاریان، فرمانده عملیات غرب کشور در گفتگویی به خبرنگار دفتر مرکزی خبر گفت: «ما کاملاً در مناطق مختلف درگیری نسبت به دشمن برتری و حالت تهاجمی داریم و روچه رزمندگان مدافع انقلاب اسلامی بسیار خوب است.»

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ستون پنجم آمریکا از وضع آوارگان سوء استفاده میکند

وضع آوارگان جنگی در بعضی نقاط فاجعه آمیز است

شور اول این طرح رای گرفته شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

وضع آوارگان جنگی

در اینجا سؤال معرفی زاده، نماینده خونین شهر، از وزارت کشور مطرح شد.

معرفی زاده، پیش از طرح سؤال خود، به تشریح وضع آوارگان جنگی پرداخت و آن را در قسمت هایی فاجعه آمیز خواند. او به ناکافی بودن جیره مواد غذایی آوارگان در بروجرد اشاره و تأکید کرد که چون قبایلی نهادها منسجم نیست، هنوز نتیجه درستی به بار نیامده است. وی گفت:

«در شادگان در یکی از کسبها، ده روز به آوارگان غذا ندادند بودند و عده ای از آنها به گدایی کشیده شده بودند، که این به خاطر تعدد مراکز مربوط به این امر است. فرماندار ماهشهر هم تأکید کرد که به آنها غذا داده نشده، زیرا قصد داشته اند آنها را جابجا کنند.»

وی افزود: «فرماندار ماهشهر حرف ما را پذیرفت که در این مورد اشتباه کرده است، ولی هنوز که هنوز است در این مورد عملی انجام نشده است.»

معرفی زاده سپس سؤال خود را از وزارت کشور در مورد بازگردن حساب های مختلف توسط مقامات مختلف برای کمک به جنگ زدگان، مقدار کمک های داده شده، برنامه اسکان آوارگان، علت خودداری از اسکان آنها در آپارتمان های تهران و شهرهای شمال کشور رهی تجویجی به وضع کارت شناسایی آوارگان جنگ را مطرح کرد.

آیتالله مهدوی کنی، وزیر کشور، در پاسخ سؤال

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، تشکیل شد، مسئله آوارگان جنگی مطرح گردید و نماینده خونین شهر پس برخواستن ایرادها و غیر اصولی با آوارگان شدیدا اعتراض کرد.

آنگاه بهت عدم آمادگی دومین سخنران پیش از دستور، مجلس بلافاصله وارد دستور شد و طرح دفتر معاملات مسکن و بنیاد مسکن مطرح گردید. سپس در مورد وروده شور این لایحه رای گیری به عمل آمد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید. مطلب دیگری که در دستور جلسه دیروز مجلس قرار داشت، طرح ایجاد هماهنگی بین مراکز امداد به آوارگان جنگی و دوفوقی بودن آن بود. دوفوقی بودن این طرح پس از رای گیری به تصویب رسید. طرح دوفوقی دیگری که در این جلسه مطرح شد، جدانشدن بنیاد شهید از وزارت بهزیستی بود، که آن نیز به تصویب رسید.

سپس نامه شورای تکمیل قانون اساسی در مورد چند ماده طرح قانونی اداره راهی و تلوویزیون، که مغایر قانون اساسی تشخیص داده شده بود، قرائت شد. این نامه پس کمیسیون ارشاد مجلس شورای اسلامی فرستاده شد. «این جلسه همچنین لایح وزارت مسکن درباره وام مسکن، رسیدگی به کار بعضی مقاطعه کاران اجرایی و اجازه و واگذاری اراضی داخل شهر لگا برای تأمین اعتبار مربوط به انعام شهرهای دولتی به مجلس تقدیم شد. آنگاه طرح کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد لغو مالکیت اراضی شهری قرائت شد. در ارتباط با این مسئله، چند موافق و مخالف سخن گفتند. آنگاه وزیر مسکن در مورد لایحه توضیحاتی داد. وی از جمله گفت:

«لغو مالکیت اراضی شهری یکی از انقلابی ترین قوانینی بود که شورای انقلاب تصویب کرد و مابرائ آن موفق شدیم، بیش از ۵۰۰ هزار متر زمین در اختیار مدارس و دیگر امور خدماتی بگذاریم.»

وی سپس به توضیح قسمت های مختلف این طرح پرداخت. آنگاه وزیر دادگستری در این مورد سخن گفت. پس از پایان سخنان توضیعی مخیر کمیسیون مسکن، در مورد وروده

انقلاب ایران...

بقیه از صفحه ۱

حرکت آمریکا حرکت می کند و هرستی که آمریکا حرکت کند، آنها هم بدان سمت حرکت می کنند. باید این کشورها را به عنوان کشورهای دوست برای خود تلقی نکنیم... باید بدانیم که آمریکا دشمن است و اگر هر کسی در رابطه دوستی با ما، آمریکا را بر ما مقدم دانسد و به خاطر آمریکا با ما دشمنی کند، آن کشور از ما دور است و هر کسی بدون ائتن با آمریکا حاضر است با ما رابطه دوستانه داشته باشد و با انقلاب ما موافقت کند، آن کشور با ما نزدیکتر است.»

از این دیدگاه، چگونگی مضمون رابطه ای که ما می توانیم با دیگر کشورها داشته باشیم، تا حدود زیادی روشن می شود: مثلا دولت صهیونیستی اسرائیل دولتی است که قصد درسد در همان سستی حرکت میکند که آمریکا حرکت میکند، زیرا دولت صهیونیستی اسرائیل بدون آمریکا هیچ است. دولت صهیونیستی اسرائیل دست آمریکا، عامل آمریکا و زاندارم منطقه ای آمریکاست. بهمین دلیل رابطه دولت صهیونیستی اسرائیل با انقلاب ما خصمانه است و ما با دولت صهیونیستی اسرائیل به عنوان دولت غاصب و مباحم و مستک فرمائیر آمریکا در منطقه، دشمنیم. ما با دولت صهیونیستی اسرائیل در خصوص آشتی ناپذیر متقابل هستیم. ما با چنین موضع گیری در منطقه، طبعاً باید در کنار آن کشورهای قزاقی بگیریم که با آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل در نبردند. ما در چبه ضد امریکائی و ضد صهیونیستی (که هر دو دفاع یکسی است) قرار میگیریم و متقابلان کشورهایی که در منطقه با آمریکا و اسرائیل در نبردند، طبعاً با ما رابطه دوستی برقرار میکنند و دست دوستی ما را میگیرند. بدینسان ما در منطقه خاورمیانه در جای تنبسته خود قرار گرفته ایم و از مزایای آن بسود انقلاب استقلال بخش خود، بسود تقویت مبارزه علیه دشمن اصلی همه خلفا (امریکا) بهره مند می شویم. دولتهای کشورهای رشد یافته

نیروه های انقلاب

بقیه از صفحه ۱

تعداد زیادی خودرو، ۲ سنگر و چند قبضه تیربار دشمن را نابود کرد و ۲ قبضه آرمی-جی-۷ دشمن را به غنایت بگیرند. این مقام مسئول افزوده است که در درگیریهای این جبههها حدود ۱۰۰ تن از مزدوران دشمن کشته و زخمی شدند. برپایه گزارش دیگر خبرنگاری پارس از اهواز:

یک گروه شناسایی رزمندگان انقلاب، که به حاشیه کرخه کور رفته و تا یکصد متری دشمن نزدیک شده بودند، زیر آتش سنگین متجاوزان قرار گرفتند. در اثر جنگ و گریز دلاوران انقلاب ۳ تن از مزدوران را به ملاکت رساندند. همچنین ۳ تن از دلاوران انقلاب، که گلوله هایشان به پایان رسیده بود، به شهادت رسیدند و ۴ تن دیگر از این قهرمانان سالم به پایگاه خود بازگشتند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از سوسنگرد، به نقل از یکی از مسئولین سپاه پاسداران این شهر گزارش داد: شهر از صبح شنبه زیر آتش توپخانه متجاوزین سدام قرار داشت و بر اثر آن به چندین ساختمان مسکونی آسیبهای وارد آمد. خونخواره در این حملات هیچگونه مجروح و کشته ای بجای نماند. خبرنگار دفتر مرکزی خبر گزارش داد: در یک شبخون چریکی که توسط رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب و افراد بسیج مستضعفین در ساعت ۳ بامداد روز گذشته (شنبه) در جبهه سوسنگرد به دشمن زده شد، علاوه بر وارد آوردن تلفات جانی و مالی به دشمن تعدادی از سنگرهای انفرادی آنان نیز تصرف شد. در این ماموریت کاملاً موفق همه برادران سالم به پایگاه خود بازگشتند. دفتر مرکزی خبر شنبه شب بنا به اظهار يك مقام موق در آبادان گزارش داد: بر اثر اجرای آتش توپخانه رزمندگان انقلاب پسر مواضع دشمن در آتشوی روخانه بهمینشی، يك خودروی سنگین حامل مهمات،

در چپبها ای غرب

دفتر مرکزی خبر از جبهه های غرب گزارش داد: رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی، ژاندارمری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فدائیان امام خمینی، بسیج غناییری و سایر داوطلبان همچنان در جبهه های غرب کشور بر علیه متجاوزین سدام را ادامه می دهند. خبرنگار اعزامی دفتر مرکزی خبر در گرمانشاه از خطوط اول جبهه، در منطقه سرپل ذهاب و قشرشیرین در ساعت ۳:۳۰ بامداد روز یکشنبه گزارش داد: در ساعت ۱۲ ظهر شنبه در منطقه دشت ذهاب دلاوران قهرمان

رابطه ما با جنبشهای آزادیبخش را نیز مطرح کرده اند و بدینستی مطرح کرده اند: «اگر يك جنبش آزادیبخش بخصوص اسلامی و در درجه بعدی غیر اسلامی در يك کشوری هست، ما (باید) کاری بگیریم که آن جنبش مطرح شود تا زنده شود...» و نیز در مورد چگونگی رابطه ما با دولتهای آن کشورهایی که در آنها انقلاب آزادیبخش پیروز گردیده: «با آن کشورها ارتباط برقرار کنیم و سعی کنیم با کوششهایی که سابقه انقلاب دارند، بخصوص اگر این کشورها مسلمان هستند، رابطه نزدیکتری با آنها داشته باشیم... اگر هم تصور می کنیم (آن دولتها) نقاط ضعفی هم دارند، آن نقاط ضعف بهانه نباشد برای اینکه با آنها قطع رابطه کنیم یا دوستیمان ضعیف شود...» کدام جنبش واقعا آزادیبخش و کدام دولت واقعا انقلابی و رزمنده برای کسب استقلال واقعی است؟ در اینجا می توان همان شاخص و میزان «می تواند اهداف شناخت درست سرشت جنبشها و دولتها باشد. هیچ جنبش واقعا آزادیبخش و استقلال طلبانه و مترقی، ام از اسلامی یا غیر - اسلامی، نیست که در معرض خصومت امپریالیسم، بسرگردی آمریکا، قرار نگیرد. و هیچ دولت واقعا استقلال طلبی نیست که بدرجات مختلف (بسته به درجه رزمندگی آن در کسب استقلال) در معرض دشمنی توطئه گرانه آمریکا و متحدانش واقع نشود. برعکس، هر جنبشی و (یا هر دولتی) اگر ظاهراً هم «انقلابی» باشد، ولی بر خوردار از کمک آمریکا و متحدانش باشد، آن جنبش (یا دولت) انقلابی و مترقی نیست، ضدانقلابی و رانجامی است. ما از این دیدگاه، یعنی یکمک همان شاخص و میزان خصومت امپریالیسم، بسرگردی آمریکا، علیه جنبشها و دولتهای استقلال طلب مترقی، میتوانیم سرشت آنها را تشخیص دهیم و با آنها رابطه دوستانه برقرار کنیم. اینسانست نکات مهم چندی درباره سیاست خارجی، که بنظر ما باید در تدوین مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ شود.

فکر و اندیشه بزرگ و وابسته تجاری در پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی



خلاصه کلام اینکه، در زمینه سرمایه‌های وابسته صنعتی، بانکی، بیمه‌ای، حمل و نقل و کشاورزی، دولت انقلاب تصمیقات جدی اتخاذ کرده و به اجرا گذاشته، که هر یک واحد اهمیت اساسی است.

امادر زمینه سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که چنانکه قبلاً گفته شد، نقش مادر را در ایجاد کلیه سرمایه‌های وابسته در کشور ما داشته، جز تصویب اصل مهم ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عملاً هیچ‌گونه اقدام جدی بعمل نیامده است.

پس از پیروزی انقلاب، نه فقط هیچ‌گونه تعرض انقلابی به مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بعمل نیامده، نه فقط ذخایر عظیم کالایی متعلق به این سرمایه دست نخورده باقی مانده، بلکه دست سرمایه بزرگ وابسته تجاری، هم در بازرگانی خارجی و هم در بازرگانی داخلی، تمام و کمال باز گذاشته شده است. در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات جدی بر مواضع سرمایه - های دیکر وارد آمده، و سهم دولت در بازرگانی خارجی بسیار کاهش یافته و سرمایه بزرگ وابسته تجاری حتی توانسته است به مواضع مالی و سرمایه‌های به مراتب قوی‌تری ناآلود آید. می‌توان گفت که هم‌اکنون در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران عمده‌ترین مواضع اقتصادی و مالی و فعال‌ترین آن در تصرف سرمایه بزرگ وابسته تجاری است. جالب اینکه هیچ نوع نظارتی، نه دولتی و نه اجتماعی بر فعالیت این سرمایه وجود ندارد.

اهرم‌های بولی، گرانی، احتکار، سودخواهی، ژرف، که همه آن‌ها در دوران پس از انقلاب قویاً به ضد جمهوری اسلامی به کار گرفته شده، تماماً در یقین سرمایه بزرگ وابسته تجاری باقی مانده است. با استفاده از احتکار و گرانی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری در دوران پس از انقلاب سودهای عظیم باور نکردنی کسب کرده و با تسلط بر وسایل بولی جامعه (اسکاس) هم‌اکنون تمام سیستم بانکی و مالی کشور را نیز در صیقل قرار داده است.

درست در شرایط زمان جنگ، که توزیع همگانی و سراسری کالاها ضروری از واحیات است و چیره‌بندی و پخش کالا از طریق تویس برای حفظ انقلاب امری حیاتی است، سرمایه بزرگ وابسته تجاری با تمام قوا در اس کار احلال می‌کند، آن هم اخلاص مومس. سرمایه بزرگ وابسته تجاری از طریق نفوذی که در اقتدار وسیع پیسه‌وران و اصناف دارد، آن‌ها را از انقلاب می‌ترساند، نسبت به شبکه توزیع دولتی و تعاونی که بسود این اقتدار نیز هست، بدبین می‌کند، در امر توزیع کالاها چیره‌بندی شده کار سکی می‌نماید، تا عدم رضایت عمومی را برانگیزد و بدین وسیله مواضع غارتگران و عمیقاً ضد انقلابی خود را حفظ کند.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری از نظر قدرتی که در تاریخ فعالیت خود در اقتصاد ایران دارد، از جهت موضع دست نخورده‌ای که در بازرگانی خارجی دارد، از راه سکه وسیعی از عمده‌فروشان و دلالت و واسطه‌ها، که به دور خود گرد آورده است، از نظر نفوذ دست نخورده‌ای که در قس عظیم پس از ۸۰ هزار واحد صنعتی - که از جهت توزیع کالا چشم به دست آن دوخته‌اند - بهم زده می‌د در صفحه ۴

بزرگ وابسته تجاری حتی توانسته است سرمایه صنعتی و اصولاً کلیه سرمایه‌های شاغل در تولید را، به تبع از منافع آزمندانه خود و امپریالیسم و انحصارات آن، تعبیر جهت دهد. بسیاری از رسته‌های تولید صنعتی و صاحبان صنایع، تا سال‌های ۱۳۴۰ در ایران مستقل باقی ماندند. اما رفته رفته حتی این رسته‌ها نیز به صورت صنایع مونتاز درآمدند و به وابستگی به سرمایه‌های امپریالیستی، کشانیده شدند. در این وابستگی، سیاست امپریالیست‌ها ورزیم حاکم نقش سیاسی و سرمایه تجاری وابسته، عملاً نقش اقتصادی را ایفا کردند.

همه سرمایه‌های بزرگ در دوران رژیم طاغوت در جهت وابستگی ایران به امپریالیسم و بازار سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کردند، اما در این میان سرمایه بزرگ وابسته تجاری اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کرد. این واقعیتی است که اکنون همه نیروهای انقلابی باید بدان واقف باشند و مگنیم عقب‌ماندگی کشور خود را به خوبی بشناسند. اگر بگویم که در مگنیم عقب - ماندگی ایران از دو قرن به این طرف، سرمایه بزرگ وابسته تجاری نقش عمده‌ساز را ایفا کرده است، سخنی مغالطه‌آمیز نگفته‌ایم. اس عین واقعیت است.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری

با تحلیل گواهی که ارفس سرمایه بزرگ تجاری از اواسط قرن گذشته تا بحال دادیم، طبیعی است که هر خواننده‌ای متوجه می‌شود که: پس یکی از اساسی‌ترین وظایف انقلاب حاضر باید خلق یک سرمایه باشد. این امر کاملاً درست است و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، اگر به خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجاری مواضع خود را نلنگرد، مطمئناً نخواهد توانست به رسداتی خود ادامه دهد. در این حالت، حتی نسبت به پیروزی‌های بدست - آمده نیز برای انقلاب دشوار و حتی غیرممکن خواهد بود.

ایک بینیم انقلاب ایران پس از پیروزی، در ارتباط با ضرورت خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجاری چه کرده است؟

واقعیت اینست، که مواضع این سرمایه نه فقط دچار آسیب‌نشد، بلکه عملاً تا همین امروز، به قوت سابق خود باقی مانده است!

پس از پیروزی انقلاب، به دیگر انواع سرمایه‌های بزرگ، مثلاً سرمایه‌های بزرگ صنعتی، بانکی، حمل و نقل و حتی کشاورزی ضربات نسبتاً قابل ملاحظه‌ای وارد آمده است. سرمایه‌های بانکی ملی شده، قسمت مهمی از سرمایه‌های بزرگ صنعتی و کارخانه‌ها معادله گردیده، کار حمل و نقل تا حدودی ملی شده، و از سرمایه‌های بزرگ در کشاورزی خلق یک عمل آمده است. این‌ها البته اقدامات و پیروزی‌های بسیار مهمی هستند که انقلاب بدان‌ها دست یافته است.

پس از پیروزی انقلاب، در زمینه این نوع سرمایه‌های بزرگ، که می‌توان گفت بطور عمده، بدنجوی از انحصار، با تولید سر و کار داشته‌اند، تصمیقات و تغییرات بنیادی مهم دیگری نیز صورت گرفته، که واجد اهمیت حیاتی است. مثلاً اداره کلیه بانک‌ها به دست دولت سپرده شده، تمام کارخانه‌های صادردهنده از اداره سرمایه‌داران طاغوتی خارج شده و تحت نظر مدیران دولتی و بنیاد مستضعفان قرار گرفته است. شوراهای نظارت بر تولید در قسمت مهمی از این رسته‌ها و واحدها تعالی می‌کنند، که به حال مظهر حاکمیت اجتماعی و انقلابی بر فعالیت سرمایه‌ها در این رسته‌ها هستند.

پرتو این انقلاب و تاثیر آن در ایران به صورت قیام‌های ملی و خلقی در آذربایجان، گیلان و خراسان بروز کرد، سرمایه بزرگ تجاری در مواضع قبلی خود باقی ماند، محافل لیبرالی حافظ منافع این نوع سرمایه حاضر نبودند از ایفای نقش واسطه و دلال کالای خارجی در بازار ایران، که منافع زیاد تری در دستری نصیب آنان می‌کرد، صرف نظر نمایند. به "خطر" بکار - انداختن سرمایه‌های خود در تولید و ایجاد صنایع ماسینی، که بسود کشور بود، تن ندردهند. رضاخان، با دیکتاتوری سبانه خود و ایجاد ماشین جهنمی استثمار توده‌های زحمتکش، شرایط نسبتاً مساعدی برای فعالیت سرمایه صنعتی در داخل فراهم آورده بود. معذک سرمایه بزرگ تجاری حتی در این دوران نیز تن به رها کردن رسته کم خطر و پردرآمد بازرگانی خارجی و کسب درآمدهای عظیم و سهل الوصول از راه مبادله و فروتنی کالاندا، بهمین جهت تلاش برای صنعتی کردن در این دوران نیز نتیجه‌ای بیان نیاورد. سرمایه بزرگ وابسته تجاری، با باقی ماندن در مواضع غارتگرانه و حمایت از دیکتاتوری رضا خان، ایران را در عقب‌ماندگی و اسارت نگاه داشت. تلاش‌های نیروهای مترقی جامعه ایران در جهل سال گذشته، یعنی از طرد دیکتاتوری رضاخان تا پایان سلطه دیکتاتوری محمدرضا، در جهت نقل و انتقال سرمایه‌ها بسوی تولید و ایجاد صنایع ماسینی معاصر بوده است، که می‌توانست پایه‌های مناسبی برای استقلال واقعی اقتصادی ایران بوجود آورد. اما این تلاش‌ها نیز به علت مقاومت سرمایه بزرگ وابسته تجاری - که حتی موجب شد که رشد ناگزیر صنعتی شدن کشور نیز در جاده وابستگی سیر داده شود - به نتیجه‌ای نرسید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در همکاری با امپریالیسم و دربار، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ضربات سنگینی به نهضت ملی شدن نفت وارد آورد. در این دوران بار دیگر محافل لیبرالی وابسته به این سرمایه ثابت کردند که با آرمان تمامین استقلال اقتصادی ایران سر سازگاری ندارند. سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در دوران پس از کودتا امتیازات زیادی بسود حفظ و تقویت مواضع خود کسب کند. چنانکه می‌دانیم، انحصار دولتی بازرگانی خارجی ایران، پس از تسلط رژیم کودتا، به کلی نقض گردید. پس از کودتا، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از بازرگانی خارجی و داخلی، نفوذ خود را به رسته‌های دیگر اقتصادی: صنایع، حمل و نقل، بانک و کشاورزی بسط داد و در تحول این سرمایه‌ها به سوی وابستگی نقش فعالی به عهده گرفت.

در تقویت مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع ربع پس از کودتا، چند عامل عمده موثر بودند:

اول، استقرار سلطه امپریالیسم و نواستعمار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که هدف عمده خود را تبدیل ایران به حامه مصرفی وابسته قرار داده بود.

دوم، افزایش درآمد نفت، که با مال امکانات مالی بیشتری را برای خرید کالاهای خارجی و فروش آن‌ها در اختیار بازرگانان عمده و وابسته قرار می‌داد.

سوم، استقرار و تثبیت حاکمیت دیکتاتوری و پلیسی خانواده بهلوی، که حافظ منافع غارتگرترین و طفیلی‌ترین سرمایه‌های وابسته، منجمله و بویژه سرمایه بزرگ وابسته تجاری بود. مجموعه این عوامل سبب شد که سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع قرن اخیر، یعنی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد، مواضع مالی و اقتصادی عمده‌تری را دارا شود. حال آنکه از نظر رشد تاریخی، سرمایه بزرگ تجاری می‌بایست جای خود را به سرمایه‌های صنعتی بدهد. اما چنانکه شاهد بودیم، نه فقط چنین انتقال تاریخی صورت نگرفت، بلکه سرمایه

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی عمده‌ترین نقش را در مخالفت با انقلاب به عهده گرفته است. تثبیت پیروزی‌های که انقلاب تا کنون به دست آورده، هم چنین هموار ساختن راه رشد آتی آن در رهائی کامل از سلطه امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده کالایی، گسترش شبکه توزیع دولتی و تعاونی‌ها با چیره‌بندی، اهرم‌های اساسی خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی خارجی و پایان دادن به گرانی، احتکار و سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است.

انجام سریع این اقدامات از نظر رفع ناراضی‌های ناشی از گرانی و اختلال در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه اقشار متوسطه جامعه را هم به ستوه آورده، امری بی‌نیاز است. لیبرال‌ها قصد دارند بر امواج این ناراضی‌ها مردم را از انقلاب روگردان سازند. با خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجاری، یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی لیبرالیسم را، که ضد - انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به استفاده از آن پرداخته‌اند، درهم شکنیم و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را بر پایه ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و خلقی، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

نگرش کوتاه تاریخی بر نقش سرمایه بزرگ تجاری

سرمایه بزرگ تجاری در اواسط قرن گذشته میلادی می‌توانست نقش مترقی در اقتصاد ایران از مرحله تولید دستی پیشه‌وری به تولید بزرگ ماسینی داشته باشد. این سرمایه می‌توانست از کوشش‌های امیرکبیر برای ایجاد کارخانه‌های جدیدالتاسیس ماسینی در فاصله سالهای ۱۸۵۰ - ۱۸۵۰ استقبال بعمل آورد. لیکن از آنجا که سرمایه‌گذار در صنعت شامل چنان منفعتی نبود که سرمایه تجاری از راه مبادله کالا بدست می‌آورد، تجار بزرگ آن زمان نه فقط از کوشش‌های امیرکبیر استقبال نکردند، بلکه بعزل او و عقیم گذاشتن اولین تلاش‌ها در راه ایجاد صنایع ماسینی در ایران ناآلود آمدند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، موازی بسا تسدید نفوذ کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری به خدمت استثمار روس پس امپریالیسم درآمد. سرمایه بزرگ تجاری بسا اقدام به وارد کردن کالای صنعتی از خارج، به فقط خود احتکار ایجاد صنایع ماسینی را به عهده نگرفت، بلکه باعث شد که تولیدات وسیع پیشه‌وری صنعتی در ایران بکلی اهرم متلاسی گردد. هم‌زمان با کسب منفعت از راه فروش کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری دست به خرید مملکت و اراضی زراعی زد و کشاورزی ایران را نیز در جهت تبعیت از بازار امپریالیستی کشانید. بدینسان، سرمایه بزرگ تجاری بصورت سرمایه کمبرادوری، یعنی سرمایه ذینفع در توسعه نفوذ کالای بیگانه و وابستگی ایران به بازار امپریالیستی، تبدیل کسور مابه زانده تولید مواد خام کشاورزی برای بازار جهان سرمایه‌داری ذینفع در حفظ نظام عقب مانده و وابسته را ب - رعیتی شکل کامل بخود گرفت.

در انقلاب مشروطه کوشش‌هایی برای ایجاد صنایع ماسینی در ایران بعمل آمد. لیکن این بار نیز سرمایه بزرگ تجاری این کوشش‌ها را عقیم گذاشت. نه تنها در زمینه صنعتی کردن، بلکه در زمینه اجتماعی و سیاسی نیز سرمایه بزرگ تجاری و نمایندگان آن در کنار فئودال‌ها و ملاکین بزرگ قرار گرفتند و از تعمیق انقلاب مشروطه بسود تمامین استقلال و آزادی و ترقی ایران جلوگیری کردند. سرمایه بزرگ تجاری و محافل لیبرالی حافظ منافع آن، در خط وابستگی ایران به امپریالیسم و قسول سلطه ارتجاع داخلی فئودال-ملاک باقی ماندند. در کوشش‌ها و جوش‌های انقلابی که پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالت و محترک است

دستی فراتر آور

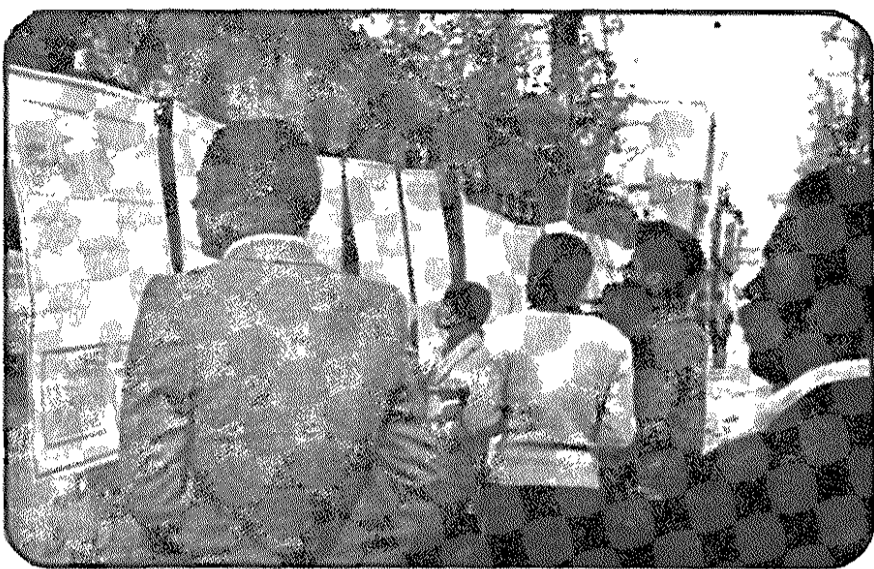
خواهند خاست این بار
ققنوس‌های دیگر
و بال می‌کشند بر آفاق
از بستر حماسه و خاکستر

در کوچه کوچه خونین شهر
(هرچند
ویرانه‌ای است دیگر)
آوای ماندگاری است
تکرار زندگی است که می‌جوشد
از سنگ سنگ سنگ

عصر غریب پاییز
فواره‌های روشن خون‌را، جهان، جهان
دیدنی بر آسمان که رها می‌شد
اینک،
اروند را ببین که چه زیبا، می‌ماند
خاموش و سرگران

خواهند خاست این بار
ققنوس‌های دیگر
و بال می‌کشند بر آفاق
از بستر حماسه و خاکستر
دستی فراتر آور
تکرار کن حماسه خونین
یا مرگ، یا رهایی!
آواز رستگاری انسان
بنویس بر زمین
بنویس بر زمان.

جلال سرفراز
۷ آبان ۵۹



گذری بر اشغال جاسوسخانه آمریکا

کردن و مسخ انقلاب به صورت‌های
مختلف به نمایش گذاشته
شده بود. در نمايشگاه مـزبور
همچنين بر لزوم وحدت عمل
مردم در مقابل جنگ تحمیلی
رژیم صدام و توطئه‌های بر-
اندازی آمریکا تاکید شده بود.
نمایشگاه "گذری بر اشغال
جاسوسخانه آمریکا" با استقبال
گرم مردم مشهد روبرو گردید.

بمناسبت ۱۳ آبان، سالروز
اشغال جاسوسخانه آمریکا
نمایشگاهی به نام "گذری بر
اشغال جاسوسخانه آمریکا"
از طرف اعضا و هواداران حزب
توده ایران در مشهد برگزار شد.
در این نمایشگاه موضوع
حزب توده ایران و نیروهای
هوادار خط امام در جهت تعمیق
مبارزه ضد امپریالیستی و نیز
موضع لیبرال‌ها در جهت سازش

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

سیاسی امپریالیسم و از بین بردن نفوذ سرمایه‌های خارجی و وابسته در رشته‌های بانکی و کشاورزی در دستور قرار داشت. اکنون زندگی خود طرد سلطه امپریالیسم و سرمایه‌های وابسته را در زمینه بازرگانی خارجی و تجارت داخلی در دستور قرار داده است. می‌توان گفت، در عین اینکه این وضع نشانه‌روشنی از تعمیق انقلاب است، در همان حال این وضع نشانه آن است که انقلاب در لحظه کنونی با یکی از وظایف بسیار خطیر و مهم خود روبروست. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ماباید بتواند در این مرحله نیز از عهده این وظیفه اساسی و مهم برآید و به خلق یک سرمایه بزرگ وابسته تجانس یا، چنانکه امام خمینی بدستی گفته‌اند، به "ظاغوت‌زدایی بازار" نائل آید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی عمده‌ترین نقش را در مخالفت با انقلاب به عهده گرفته است. تنبیت پیروزی‌هایی که انقلاب تاکنون بدست آورده، هم‌چنین هموار ساختن راه رسداتی آن روهایی کامل از سلطه امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلق یداز سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست. اصل ملی‌گردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده کالایی، گسترش شبکه توزیع دولتی، تعاونی-ها با جیره‌بندی، اهرم‌های اساسی خلق ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی خارجی و پایان دادن به گرانی، احتکار و سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است. انجام سریع اقدامات اخیر، از نظر رفع نارضایتی‌های ناشی از گرانی و احتکار و اختلال در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه حتی اقشار متوسط جامعه را به ستوه آورده، امری است بی‌نهایت عاجل و ضرور. لیبرال‌ها که اینک نمایندگی سرمایه بزرگ وابسته تجاری را هم برعهده گرفته‌اند، قصد دارند بر امواج این نارضایتی‌ها، مردم را از انقلاب روگردان سازند و زمینه را برای مسخ انقلاب فراهم آورند.

با خلق ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری، یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی لیبرالیسم را، که ضدانقلاب - امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به استفاده از آن پرداخته‌اند، درهم شکستیم و انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی را برپا می‌سازیم. ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و خلقی، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

کشور)، مهم‌تر اینکه، عنصر دهنی انقلاب، در مورد ضرورت و تحقق این کار، از آگاهی لازم برخوردار نبود.

خوشبختانه در شرایط کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، نه فقط شرایط عینی کاملاً مساعدی برای طرد سرمایه بزرگ وابسته تجاری از مواضع اشغالی آن در اقتصاد ایران وجود دارد (ضعف عمومی امپریالیسم، وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و سطح قابل ملاحظه رشد اقتصادی و اجتماعی در داخل)، بلکه هم‌چنین نیروهای انقلابی حاکم کم و بیش براهمیت تحقق این کار تاریخی و قوف دارند.

باید دانست که در کنار تمام مسائل دیگری که انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی باید به حل آن‌ها در کشور ما قادر گردد، مسئله مرکزی، اولویت بخشیدن به امر تولید اجتماعی در زمینه‌های گوناگون صنعتی و کشاورزی است. اکنون رشد اقتصادی کشور ما به مرحله‌ای رسیده است، که در اولویت قرار دادن تولید اجتماعی را بصورت سرمایه‌گذاری‌های عظیم در صنایع و کشاورزی و حمل‌ونقل و مسکن و همه اموری که مستقیماً با تولید سروکار دارد، طلب می‌کند.

سرمایه تجاری از تخت فرماندهی بر کلیه امور اقتصادی و اجتماعی-چنانکه در گذشته بود و اکنون نیز هست- بآید به زیر کشیده شود. حیثیت فعالیت سرمایه تجاری به ایفای نقش توزیع کالا در داخل، آن‌هم با در نظر گرفتن نقش برتر بخش دولتی و تعاونی-چنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر داشته- باید محدود گردد. تنها در چنین حالتی است که می‌توان زیربنای اقتصادی جامعه نوین انقلابی را ساخت و به استقلال واقعی اقتصادی و رفاه اجتماعی طبقات زحمتکش و مولد تروت نائل آمد.

آزادی فعالیت سرمایه بزرگ وابسته تجاری عامل ترمزکننده و بازدارنده در نیل به اهداف یاد شده است. آزادی فعالیت سرمایه بزرگ وابسته تجاری هیچ‌گاه به کشور و جامعه انقلابی ایران امکان نخواهد داد که به این اهداف حتی نزدیک شود، چنانکه سرمایه بزرگ وابسته تجاری، حتی در شرایط انقلابی کنونی ایران، با جلب سرمایه‌های دیگر به فعالیت در زمینه بازرگانی و سودبری از این فعالیت، عملاً رشته‌های دیگر فعالیت اقتصادی را به فلج کشانیده و می‌کشاند.

در مراحل اولیه پس از پیروزی انقلاب، حل مسائل مبرم‌تری نظیر طرد سلطه نظامی و

نقش سرمایه بزرگ...
بقیه از صفحه ۳

است، مواضع عظیمی را در اقتصاد ایران در اختیار دارد.

امروز که مسئله سرنوشت انقلاب مطرح است و باید از راه طرد تسلط غارتگرانه همه سرمایه‌های بزرگ وابسته و طفیلی دستاوردهای انقلاب تنبیت شود و راه انقلاب به جلو در جهت تأمین استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران هموار گردد، سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری همه این مواضع را در خدمت ضدانقلاب و امپریالیسم حامی آن قرار داده است. خطر لیبرالیسم که اینک نمایندگی مجموعه سرمایه‌داری ایران را بر عهده گرفته است، از همین جاست ناشی می‌شود. اینکه سرمایه‌داران عمده بازار در برابر خط امام خمینی، "خط می‌کشند"، مظهر مقاومتی است که بطور عمده از مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری در برابر انقلاب ناشی می‌شود.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری محکوم به زوال است

خلق ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری ضرورت عینی پیشرفت اقتصاد کشور و دسترسی به استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است و انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران قادر به خلق ید این سرمایه‌داری است.

در تحلیل بخش اول این نوشته دیدیم که سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که از اواسط قرن گذشته، نقش ترمزکننده و ترمز اجتماعی در پیشرفت اقتصادی ایران ایفا می‌کند، قادر بوده است در هر چرخش تاریخی، با ایفای نقش مزورانه، خود را مصون نگاه دارد و همچنان به موجودیت خود تابحال ادامه دهد. این توفیق به طور عمده از آن جهت نصیب سرمایه بزرگ وابسته تجاری گردیده، که اولاً در انقلابات و چرخش‌های قبلی تاریخی در کشور ما، تا حدی زمینه عینی طرد سرمایه بزرگ وابسته تجاری وجود نداشت، (تسلط مطلق ونسبی امپریالیسم بر جهان و سطح نازل رشد اقتصادی-اجتماعی

در مطبوعات کشور

رابطه العالم الاسلامی در عربستان به نفع امپریالیسم آمریکا فعالیت می‌کند

"امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، برای حفظ سلطه غارتگرانه خود بر کشورهای جهان سوم، از هر وسیله و ابزار مادی و فرهنگی بهره می‌برد. به همین جهت بی دلیل نیست که در مقابل کشورهای مسلمان انقلابی، چون جمهوری اسلامی ایران، جمهوری لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر، جمهوری سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین، دست‌نشاندهائی با ظاهر اسلامی و باطن آمریکائی چون رژیم‌های شاه حسین، شاه حسن، ضیاء الحق، سعودی، آل قابوس و... نیز وجود دارند و حکم اسب راهوار را امپریالیسم آمریکا را دارند. آمریکا که از وقوع انقلاب‌های اسلامی با ابعاد صد-امپریالیستی و ضدانقلابی، نظیر آنچه که در ایران برهبری امام امت خمینی کبیر رخ داده، هراس دارد، درصدد عقیم کردن زمینه‌های انقلاب اسلامی در ممالک تحت رژیم‌های دست‌نشانده خود برآمده است. در همین رابطه یکی از شاخه‌های فرهنگی امپریالیسم آمریکا بمنظور نفوذ در ممالک و ملت‌های مسلمان با نام "رابطه العالم الاسلامی" در عربستان سعودی فعالیت دارد، که بطور اختصار "رابطه" نامیده می‌شود.

"رابطه" حلقه‌ای از زنجیر مفتی‌های آل‌ت دست امپریالیسم جهانی است که در ممالک دست‌نشانده آمریکا، دست‌اندرکار خنثی کردن موج‌های انقلاب و حفظ و حراست نوعی اسلام با طبع آمریکایی جنایتکار هستند. "رابطه" نیز چون مفتی‌ها که در دربار شاه حسن و سادات خائن گرد آمده بودند تا با اصلاح خودشان (اشتباهات آیت الله خمینی را تصحیح کنند) از گسترش امواج جهانگیر انقلاب اسلامی به هراس افتاده است و از این رومی کوسه، دستاوردهای حیات بخش انقلاب اسلامی ایران را تخطئه کند و در مقام جسارت به رهبری انقلاب اسلامی ایران خمینی بت شکن برآمده است، اما پاسخی که امام خمینی رهبر کبیرمان به این قبیل اراجیف آمریکا ساخته داده است، پاسخ هرباوه بردازی است که بخواهد در جهت دفاع از منافع امپریالیسم جهانی، انقلاب اسلامی ایران را بسازد و نابود کند و یا برای خوشامداری با آن آمریکائی خود، به رهبری انقلاب ما امانت کند.

"رابطه العالم الاسلامی" با استفاده از برجستگان اسلام بطور مستقیم و غیرمستقیم در تمام سازمان‌های اسلامی جهان نفوذ کرده است. آئین "رابطه" با این سازمان اجازه نمی‌دهد که از حکومت خود، یعنی حکومت استبدادی قبلی‌های عربی سعودی انتقاد کند. در "اسلام رابطه" هیچ محلی برای انتقاد از دیکتاتورهای بی‌سویه و وسیله امپریالیسم آمریکا حمایت و پشتیبانی می‌شوند و چون دارند جا شیکه پای عروسک‌های خیمه شب بازی آمریکا در میان باشد، "رابطه" هرگز به عقاید آنها کاری ندارد. بعنوان مثال، هنگامیکه شاه سابق، از اسلام و اتحاد مسلمین دم می‌زد، "رابطه" بهیچوجه سخنی از سیه بودن او بمیان نیاورد و در آن هنگام که حکومت دیکتاتوری ژنرال یحیی خان، پاکستان را بسوی فناسوق می‌داد، "رابطه" و حامیان سعودی سخنی درباره تشیع او نگفتند و او را راضی‌نمایند و قتیکه دولفقار علی بوتو خواستار تشکیل جلسه سران کشورهای اسلامی شد، بزرگترین حامی "رابطه"، یعنی، پادشاه سعودی، بندهای اولییک گفت و "رابطه" اهمیتی به سیه بودن بوتو نداد، زیرا اگر کسی نوکردست نشانده امپریالیسم آمریکا باشد، تمام گناها نهن از نظر دولت سعودی آمرزیده است."

(بیا ما جر ۲۴ آبان ۵۹)

نماینده جهاد سازندگی در هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در گلپایگان:

یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم در ایران، زمینداری بزرگ است

های مسکونی به افراد فاقد زمین واگذار نمود. در همین حین بود که یکی از نماینده های مومن و فعال هیئت های روستا های کنجدجان بدست زمینخواران در موقع آبیاری ترور و شهید شد. قسمتها یکی دیگر از فعالیتهای هیئت به این شرح است:

- واگذاری مقدار زیادی زمین موات در اطراف کانال آبرسانی به جنوب گلپایگان، تقسیم و واگذاری ۲۰۰ هکتار اراضی روستاهای ورزنه با همکاری ۲ نفر معتمدین فعال قریه مذکور،

- تقسیم و واگذاری ۱۰۰ هکتار اراضی کنجدجان، که در تصرف زورگویان و اشخاص قلدر بود، به ۹۰ نفر از افراد بی زمین محل،

- تقسیم و واگذاری ۱۰۰ هکتار اراضی جنوب بیمارستان حلال اصر در امتداد جاده گلپایگان - خمین، به افراد بی زمین و کم زمین،

- تقسیم و واگذاری ۴۰ هکتار اراضی جنوب رباط و محل چال به افراد بی زمین و کم زمین،

- واگذاری مقداری از اراضی موات روستای قلعه موتور. نماینده جهاد سازندگی در بیان مصاحبه منتشره در نشریه ما ماهانه جهاد سازندگی گلپایگان گفت:

"اخیرا که هیئت مشغول بررسی زمینهای بایر بود، متأسفانه مخالفتها بی سابقه این طرح از جانب جنابهای مختلف شد. این جناحها به تلاش خود جهت لغو قانون تقسیم زمین اقدام دادند و متأسفانه با معلق شدن این بنسند "ج"، هیئت و همچنین کشاورزان در تنگناهای جدیدی قرار گرفتند."

البته سخنان مقامات مسئول واعلامیه ستاد واگذاری زمین نشان میدهد که هیئت های ۷ نفری باقی میمانند و فعالیت خود را با قاطعیت ادامه میدهند و در مناطق مساعد "اجرای قانون ادامه می یابد و بندهای دیگر نیز پیاده می شود و بدون شک انقلاب ریشه فئودالیسم را این پایگاه امپریالیسم را برخواهد کند. سخنان نماینده جهاد گلپایگان بیان این واقعیت است.

زمین را به همین کشاورزان بدهند تا بکارند، و با املاک من است جهت کارشکنی در شرایط فعلی، زمین را همینطور رها کنند، که در صورت هم کیفیت محصول پایین می آید و هم اینکه کشاورزان دیگر بصورت نصفه ای زمین را نمی کارند و زمین بلا استفاده می ماند، و این به ضرر خود کفایت کشاورزی در این شرایط حساس کشور است."

در پاسخ به این سوال که: ممکن است عملکرد هیئت را از زمان شروع بکار تاکنون در منطقه گلپایگان بیان کنید، نماینده جهاد سازندگی گفت:

"هیئت واگذاری زمین کوشش خود را از ابتدای زمینهای موات صرف کرد، و از این طریق چندین شرکت تعاونی کشاورزی تأسیس شد که اغلب آنها توسط دیپلمه های بیکار اداره می شوند، و هم اکنون بیشتر این شرکتها مشغول کشت می باشند و چند شرکت هم با مشکلاتی از قبیل نداشتن آب و غیره روبرو هستند. البته این کار با زحمات زیاد از حد برادران هیئت انجام شد."

در مرحله دوم هیئت مشغول بررسی روی زمینهای بایر شد. ابتدا شرکت "خسرو" با همکاری دادگاه انقلاب منحل نمود و مقدار ۷۰ مایل مربع را مال این شرکت را قطع کرد و دو هکتار زمین این شرکت را به متقاضیان واگذار نمود. سپس فعالیتهای خود را در روستاهای گلپایگان با انتخاب نماینده های هیئت در روستاها شروع کرد و پیرامون زمینهای بایر و موات آن به تحقیق پرداخت، در چندین روستا مثل کنجدجان و ورزنه، زمینهای کشاورزی و موات را جهت کشت و ریزی و احداث واحد-

۱۵ خرداد در خط امام بودند، و نه در اوج انقلاب شکوهمند اسلامی و نه حالا در این شرایط حساس که کشاورزان باید برای خود کفایتی، زمینها را هر چه بیشتر کشت کنند، بزرگترین مشکلی که بر سر راه هیئت قرار دارد، همین کارشکنیها است. به عقیده ما چنانکه امام فرمودند، مردم ما خوبند و مسائل را خوب می فهمند و باید آنها را هم که فقر بین اشخاص انقلابی و غیره - انقلابی را هنوز تشخیص نمی دهند، از این مسائل آگاه کرد، تا حرفهای دروغین کسانی را که دم از اسلام و امام می زنند و بسیار هم قشری فکری کنند، درک نمایند."

نماینده جهاد سازندگی درباره معلق ماندن بند "ج" قانون واگذاری زمین و اینکه آیا این اقدام به نفع انقلاب است، گفت:

"من فکری کنم که این بند در اثر فشار همه جانبه عناصر شناخته شده ای که همیشه تحت تاثیر افراد زمیندار و سرمایه دار واقع می شوند و بعزت عدم درک صحیح مسائل اسلامی، بجای اینکه مستضعفین طرفداری کنند، طرف مستکبرین را میگیرند، و اخیرا نیز خواستار لغای بعضی از مصوبات شورای انقلاب در مجلس شورای اسلامی شده بودند، معلق شده است. و این معلق شدن، گرفتاریهای زیادی برای هیئت ۷ نفری در سراسر کشور بوجود خواهد آورد، که در نهایت به نفع زمینداران و به ضرر کشاورزان و کتای در ایران تمام خواهد شد. چون کشاورزانی که با اجرای این قانون، به آنها زمین واگذار شده، بازحمت شبانه روزی مبارزت به کشت نموده اند. ولی زمینداران بزرگ یا می خواهند بصورت نصفه ای یا بصورت روز مزد،

مسکونی تا کون بر سر راه هیئت وجود داشته و دارد. "هیئت واگذاری زمین مورد حمایت نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب گلپایگان و بعضی ارگانهای دیگر قرار گرفت. هیئت در زمان شروع کار از طرف دادگاه انقلاب گلپایگان حمایت و پشتیبانی می شد، ولی پس از اینکه حاکم شرع قبلی، آقای میرمانعی، حکم صادره زمینهای قریه رباط سرخ را، که متعلق به افرادی صاحب نفوذ بود، صادر کرد، این افراد زمیندار به تلافی افتادند و بعد از مدتی حکم صادره حاکم شرع از طرف مقامات بالاتر ملغی شد. پس از ابطال این حکم، حاکم شرع دیگر قادر به ادامه کار نشد و استعفا کرد."

نماینده جهاد سازندگی در ادامه سخنان توضیح داد که حاکم شرع بعدی، به اسکا مختلف در کار هیئت کارشکنی کرد، و مانع از واگذاری زمینها به دهقانان زحمتکش شد. و حاکم شرع بعدی در جواب یکی از برادران که سوال کرد: پس ما جواب مردم مستضعف بدون خانه را چه بدهیم، گفت: "من بخاطر مستضعفین به جهنم نمی روم!"

نماینده جهاد سازندگی در ادامه توضیحاتش گفت: "اینجا برای ما مطرح است که چه کسانی با امام خمینی مخالفت می کنند؟ مگر مخالفت چگونه است؟ ما ما با رها و بارها فرموده اند که به کشاورزان بگوئید اسلام نه طرفدار فئودال است نه طرفدار سرمایه دار، به اعتقاد ما اینگونه افراد با این ماهیت که اکنون میراث خوار انقلاب شده اند و با ارگانهای انقلابی مخالفت می کنند، نه در

دفتر جهاد سازندگی سرستان گلپایگان نشریه ای بطور ماهانه منتشر می کند و در آن اقدامات و فعالیتهای خود را در منطقه منعکس می سازد. نماینده جهاد سازندگی در هیئت هفت نفری واگذاری زمین در گلپایگان، در مصاحبه ای با این نشریه، که در شماره ۵۹ آن چاپ شده است، درباره فعالیتهای هیئت و واگذاری اقداماتی که تا کنون انجام گرفته و نیز موانع و مشکلات و کارشکنیهایی که بر سر راه آن قرار دارد، توضیحات جالب و آموزنده ای داده است. وی درباره مبارزه با سیلان بزرگ آمریکایی جهانبخوار و رژیم جنایتکار صدام گفت:

"برای مبارزه با امپریالیسم باید بسیج ملت و ارتش و سپاه در صدر بنا به هیئت دولت قرار گیرد. میدانیم که مبارزه با امپریالیسم، جدا از مبارزه با پایگاههای داخلی آن نیست. لذا مبارزه با این پایگاهها اعم از سرمایه داری وابسته، فئودالیسم، ارباب رعیتی و وابستگی های صنعتی و نظامی تا نبودی کامل آنها و بر طرف کردن روابط ظالمانه ناشی از آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم در ایران، که معلول نظام استکباری شاهنشاهی پیشین است و در تمامی روستاهای ایران ریشه دوانیده، زمینداران بزرگ و روابط و مناسبات ظالمانه زمینداری است. خوشبختانه با تصویب طرح واگذاری زمین از سوی شورای انقلاب و تشکیل هیئت های ۷ نفری واگذاری زمین، گامی مهم در راه از بین بردن فئودالیسم در ایران برداشته شد، که تاکنون در نقاط مختلف کشور، اگر چه با کارشکنی های نیز در اجرای آن روبرو شده است، ولی اگر این طرح ادامه یابد، قدمی مهم در جهت منافع دهقانان زحمتکش، که از مستضعفین واقعی این کشور هستند، برداشته می شود."

نماینده جهاد سازندگی، در پاسخ به این سوال که: آیا هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در گلپایگان مورد حمایت نهاد های اجرائی قرار گرفته است، و اصولا چه موانعی و

خرده مالکان روستای شیخ عبود بیضا زیر فشار بزرگ مالکان

خرده مالکان روستای شیخ عبود بیضای شیراز خواستار تعقیب بزرگ مالک این روستا و سپس گرفتن محصولات خود هستند. بر اساس اطلاع رسیده، "همت"، بزرگ مالک روستای شیخ عبود بیضا، از روستاهای توابع استان فارس، در زمان طاغوت زمین های خرده مالکان این روستا را، که حدود ۴۰ خانوار هستند، غصب کرد. او به جای این زمین های مرغوب به هر یک از روستائیان مربوط ۲ یا ۳ هکتار زمین نامرغوب داد. این عمل باعث اعتراض خرده مالکان و شکایت آنها به مسئولین، در آن دوران، گردید. لیکن مسئولین مزبور، خرد عیوب بیضای شیراز مالک این روستا و سپس گرفتن محصولات خود کردند. به نا به مایت طاغوتی و ضد مستضعفی رژیم وقت، به جای رسیدگی به دادخواهی دهقانان آنها را زندانی و تبعید کردند. پس از پیروزی انقلاب خوشنشینان روستای مزبور زمین های غصبی بزرگ مالک این منطقه را گرفتند و در آن کشت کردند. خرده مالکان فوق الذکر نیز زمین های خود را از "همت" پس گرفتند و در قسمتی از آنها حفرند کا شدند. لیکن مالک مزبور، که در شهر شیراز کاراز بزرگی دارد، با قیافه حق به جانب و با حمایت چند روحانی - نما، به دادگاه انقلاب مردودت شکایت کرد و از آن دادگاه حکم توقیف محصولات خرده مالکان را گرفت. متأسفانه نفوذ برخی عناصر ناپاب در این نهاد انقلابی سبب شد که دادگاه انقلاب، علی رغم ماهیت مردمی و ضد طاغوتی خود، تصمیمی به زبان نیرو های انقلابی و مستضعفان بگیرد. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این نکته و همچنین نقش زمین داران بزرگ در توطئه علیه انقلاب، می خواهیم که اجازه ندهند، این عوامل وابسته، در دوران پیروزی انقلاب، بر دهقانان مستضعف که سره کار خود و حق خویش را می خواهند، ستم روا دارند.

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگ نمی شود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار می گیرند.

توضیح اداره کل کشاورزی استان مازندران در مورد وضع کشاورزان گیلان و مازندران

اداره کل کشاورزی استان مازندران، ضمن نامهای در مورد مطلب مندرج در شماره ۳۰۳ "نامه مردم" تحت عنوان "دهقانان گیلان و مازندران را دریابید"، توضیحاتی داده است. فتوکی این نامه توسط اداره کل ارشاد استان مازندران، به شماره ۵۲۲۲/۱۳۰۸/۸۹ برای "نامه مردم" مرستاده شده است. در این نامه آمده است: "استان مازندران آب مهار شده در پشت سد جهت آبیاری منطقه ندارد، و از این نظر متکی به آب رودخانه ها، آبندها، چاه های برکنده و بالاخص نزولات آسمانی است. لذا چنانچه در سال های نظیر سال جاری در فصول بهار و تابستان، باران به میزان کافی ریزش نکند، آب بقیه منابع مذکور فوق نیز کاهش یافته و کشت محصولات اعم از آبی نظیر برنج و بخصوص مزارع دیم با مشکل جدی مواجه می شوند. در بهار گذشته نزولات آسمانی به طور کم سابقه - ای کاهش یافته، به طوری که میزان متوسط بارندگی در محدوده ساری حدود ۵۰ میلیمتر بوده و خشکی تا اواسط مرداد ماه نیز ادامه داشته است. و بالنتیجه سطح وسیعی از مزارع دیم امکان کشت نیافته و یا بانکت محصول همراه بوده است. از ابتدای سال جاری با احساس مشکل کم آبی، مسئولین اداری و نهادهای انقلابی منطقه هر یک به سهم خود با همکاری و خودیاری کشاورزان، اقداماتی با برنامه های کوتاه و دراز مدت به شرح زیر جهت رفع مشکل فوق در حد امکان به عمل آورده اند: ۱- کمک مالی و فنی به گروهی از کشاورزان در حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق و معمولی و کاربرد موتور پمپ و سایر نهادهای انقلابی با استفاده از اعتبارات اختصاص یافته و خودیاری کشاورزان در این امر. ۲- مرمت آبندها - های منطقه با مشارکت

دهقانان! بیل شما سر نیزه ای و بذر شما گلوله ایست، به قلب دشمن، شخم بزنید، بکارید، تولید کنید، تا امریکای جنایتکار را درهم شکنید!

در جمهوری سوسیالیستی ویتنام تصویب قانون اساسی جدیدی تدارک دیده میشود

این کشور را "حکومت دیکتاتور" می نامد که در آن حزب کمونیست رهبری کشور را در گذار از تولید خرده پای به تولید بزرگ سوسیالیستی به عهده دارد. این قانون اساسی، در واقع، رهنمودهای کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام را تسجیل قانونی می بخشد.

بموجب قانون اساسی جدید در ساختار حکومتی ویتنام نیز تغییراتی پدید خواهد آمد. برای نمونه "شورای حکومتی" جایگزین مقام

در جمهوری سوسیالیستی ویتنام، تصویب قانون اساسی جدیدی تدارک دیده میشود. پیش نویس این قانون اساسی در بهار سال ۱۳۵۷ برای بحث و بررسی مردم آماده گشت. پس از آنکه در دو سال پیش، هزاران پیشنهاد اصلاحی از سوی مردم واصل و منظور گردید کمیته، کزی حزب کمونیست ویتنام، آخرین پلنوم خود، به سر دربار، محتوای اصلی متن کنونی پرداخت و آنرا تصویب کرد. این پیش نویس اکنون، برای تصویب



چنانیکاران آمریکائی برای کودکان ویتنامی جز بمبناپالم چیزی «هدیه» نیاوردند ولی جمهوری سوسیالیستی ویتنام زندگی شاداب و شگوفانی را برای کودکان ویتنامی تضمین کرده است.

ریاست جمهوری و "کمیته" دائمی مجلس ملی "خواهند شد.

اعلامیه بلنوم پیشگفته خاطر نشان میسازد که قانون اساسی جدید گامی مهم در راه تکمیل دمکراسی سوسیالیستی و توسعه حق زحمتکشان نسبت به اعمال حکومت خود خواهد بود. به موجب این اعلامیه، قانون اساسی آینده مردم ویتنام را بار دیگر توان خواهد بخشید که بازسازی ویتنامی صلح جو، مستقل، متحد و سوسیالیستی را ادامه دهند.

نهایی، در اختیار "مجلس ملی" قرار میگردد.

بدین ترتیب، ویتنام دارای سومین قانون اساسی در تاریخ سی و پنجساله حیات خود خواهد شد. در نخستین قانون اساسی ویتنام، که در بائیز ۱۳۳۵ تصویب رسید، نخستین گامها در جهت باسرداری از منافع زحمتکشان و اصلاحات ارضی برداشته شده از سوی دیگر، این قانون اساسی، درباره چگونگی مالکیت وسائل تولید ساکت بود.

در سال ۱۳۳۸، هنگامیکه در شمال مدتها از اعلام گذار به سوسیالیسم گذشته بود ولی جنوب هر چه پیشتر زیر سلطه نواستعمار قرار میگرفت دومین قانون اساسی لازم آمد. این قانون اساسی ویتنام را بعنوان "کشور توده ای - دمکراتیک، مبتنی بر اتحاد کارگران و دهقانان و برهبری طبقه کارگر" توصیف میکند.

با آزادی کامل جنوب و تشکیل "جمهوری سوسیالیستی ویتنام"، بار دیگر سرائط جدیدی پدید آمده است. قانون اساسی آینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام حکومت

ثابت کنیم که و خامت اوضاع جهانی بسود جوانان نیست و خواستار آن شدیم که گفتگو درباره تنش زدایی حتما ادامه یابد.



پیکار قدراسیون جهانی جوانان دمکرات بر ضد امپریالیسم و در راه صلح

حال، باید به پشتیبانی همه جانبه از نبرد خلقها با امپریالیسم، فاشیسم، استعمار و نواستعمار برداریم. در این زمینه، باید برای نمونه، به جنبش فستیوال اشاره کرد، که بازتابی است از خواست فزاینده جوانان نمایی بر حفظ صلح و احقاق هدفهای دیگر آنها.

ما بخوبی به مسئولیتی که در زمینه دفاع از منافع بیش از ۲۷۰ سازمان عضو، از بیش از ۱۱۰ کشور هر پنج قاره



نمایندگان جوانان و دانشجویان جهان در یازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در هاوانا، پایتخت کوبای سوسیالیستی (تابستان ۱۳۵۷)

بعهده داریم، واقف هستیم، برای آنکه به اهمیت و وزنه ندای جوانان پی ببریم، کافی است یادآور شویم که قدراسیون جهانی جوانان دمکرات بطور رسمی و با عنوان مشاور در سازمانهای اختصاصی سازمان ملل متحد، مانند "یونسکو"، "سازمان بین المللی کار"، "سازمان خواروباروکشا و ورزشی" و "اکوسوک" فعالیت دارد.

از سوی دیگر، سه سازمان اختصاص خود قدراسیون جهانی جوانان دمکرات، یعنی "کمیته بین المللی جنبش های کودکان و جوانان"، "دفتر بین المللی جهانگردی و مبادله جوانان"، و "خدمات جهانی داوطلبان همبستگی و دوستی جوانان" از وجه جهانی برخوردارند.

پرسش: یکی از مهم ترین وظایف قدراسیون جهانی جوانان دمکرات رانامین نتایج کنونی تنش زدایی توصیف کردید. به نظر شما در این زمینه به چه مسائلی باید اولویت داد؟

از اینرو قدراسیون جهانی جوانان دمکرات همواره پیکار در راه صلح و دفاع از منافع جوانان جهان را پایه کار کرد خویش قرار داده و خود را هر چه نزدیک تر با مسائل و رویدادهای سیاست جهانی هم پیوند ساخته است. تاریخ قدراسیون جهانی جوانان دمکرات، از نخستین دوران، دارای این ویژگی بود که، نسل جوان را به همکاری همه جانبه برای پیشبرد صلح بسیج میکرد. پس از آن، در دوران جنگ سرد، شراکت فعالیت سازمان ما، مقرر آن در سالهای ۵۱-۱۹۴۵ (۱۳۳۵-۱۳۲۴) درباریس بود، به و خامت گراید. در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در اوج جنگ سرد، دولت فرانسه همه فعالیت های قدراسیون جهانی جوانان دمکرات را ممنوع اعلام و به اخراج آن از پاریس مبادرت کرد. در چنین شرایطی، دولت مجارستان و اتحادیه جوانان این کشور به قدراسیون جهانی جوانان دمکرات پیشنهاد کرد که مقرر جدید خود را در بوداپست برگزینند.

دوران بعدی فعالیت سازمان ما با نیکار جهان نیاز در راه تنش زدایی تطابق یافت و بویژه با مبارزه علیه تجاوز ایالات متحده آمریکا در ویتنام همراه بود. قدراسیون جهانی جوانان دمکرات در سالهای ۶۰ یکی از بزرگترین مبارزات تاریخ خویش، یعنی پشتیبانی فعالانه را در سراسر جهان از خلق قهرمان ویتنام، که در راه آزادی خویش میرزید، سازمان داد. در اینجا ما یلیم به وظایف کنونی مان برداریم. در این دوران از مهم ترین وظایف ما آنست که بخاطر تامین صلح، به مسابقه تسلیحاتی پایان دهیم و تنش زدایی سیاسی را با صلح سلاح همراه سازیم. در عین

**در جنگ عادلانه
بر ضد رژیم
صدام حسین
و برای دفاع
از میهن انقلابی
شرکت کنیم!**

تامین مواد اولیه يك ضرورت مبرم انقلابی برای واحدهای تولیدی است

- * کمبود مواد اولیه میراث رژیم دست نشانده پهلوی و از عوارض نظام سرمایه داری وابسته و جزئی از توطئه امپریالیسم علیه انقلاب ایران است.
- * سرمایه داران بزرگ و مدیران لیبرال در کار تامین مواد اولیه سنگ اندازی می کنند
- * دولت باید خود تامین مواد اولیه کارخانه ها را برعهده گیرد.
- * تامین مواد اولیه يك ضرورت مبرم انقلابی برای واحدهای تولیدی است. نیازهای انقلابی را با شیوه های انقلابی و بکلمک نیروهای انقلابی می توان و باید برطرف کرد.
- * کشورهای دوست و جانبدار انقلاب ایران متبعض ممتنعی برای تامین مواد مصرفی صنایع ماهستند
- * با ملی کردن بازرگانی خارجی گام اساسی در جهت تامین مواد برداشته می شود

کمبود مواد اولیه مصرفی صنایع، از جمله مسائلی جدی واحدهای تولیدی کشور است. این کمبود بطور عمده ناشی از وابستگی همه شئون زندگی جامعه ما به امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکاست، که میراث شوم حاکمیت دربار پهلوی است. پس از پیروزی انقلاب و پیروزی با آغاز محاسره اقتصادی انقلاب ایران بوسیله امپریالیسم آمریکا و هم اکنون با اجرای برنامه امپریالیستی تجاوز رژیم صدام به ایران، مسئله تامین مواد اولیه و قطعات و وسایل یدکی کارگاه ها با پیچیدگی خاصی روبرو شده است.

روشن است که نبودن مواد خام و بدینسان آن فلج شدن کارخانه ها و متوقف شدن تولید، چیزی از کارزار خصمانه است که دشمنان انقلاب در تمام ایام اجتماع بر ما تحمیل کرده اند. سرمایه داران بزرگ و مدیران ضدانقلابی و لیبرال نیز به شیوه های گوناگون در اجرای این نقشه خائنه می کوشند. آنها کمبود ارز را بهانه می کنند، وضع جنگی و بنابراین دشواری های حمل و نقل و ورود کالاها خریداری شده، از جمله مواد مورد نیاز صنایع را تبلیغ می کنند و می کوشند، تا با بیایان رسانیدن ذخایر مواد، کارخانه ها را خود بخود تعطیل کنند. هم اکنون بخشی از واحدهای تولیدی، یا در اثر این کمبود تعطیل شده اند، یا با ظرفیت کامل کار نمی کنند، یا در آستانه تعطیل اند. بطوریکه رسانه های گروهی نظیر رادیو تلویزیون و جراید هم روز به روز نمونه های زیادی از این جریان را منمکی می کنند:

در يك مصاحبه، که آبان ماه گذشته از رادیو ساری پخش شد، کارگران گونی یقی قائم شهر، ضمن طرح مشکلات خود، از جمله به مسئله مواد خام پرداختند و یکی از سرپرستان کارخانه گفت:

«ما سال گذشته مواد اولیه نداشتیم و بخاطر آن کارخانه یکسال خوابیده بود»

روزنامه اطلاعات (شنبه ۲۲ آذرماه ۵۹) متن تلگرام پنج تن از کارگران اخراجی آلومینیوم سازی اراک به ریاست جمهوری را درج کرده است. در این تلگرام، کارگران ضمن اشاره به مسئله اخراج خود، و این که در لحظه اخراج، دو تن از کارگران اخراجی، درجه جنگ، می جنگند، گفته اند: «کارخانه آلومینیوم سازی اراک تاکنون از داشتن مدیریت کارداران و لایق محروم بوده و عدم کوشش مدیران عامل جهت تهیه مواد اولیه و نبودن مدیریت صحیح، کارخانه را باخطر سقوط روبرو نموده است.»

بسیاری از کارخانه های فارس نیز با این امر دست به گریبان اند. مثلا کارخانه پلاستیک و تکنیک، کارخانجات صنعتی و تولیدی یخچال سازی روانشاد، شیراز پلاستیک، کارخانجات مخارای ایران (زینس)، کارخانه آدیمیرام، شرکت شیمیایی پرسولیس، روغن نباتی نرگس شیراز، کارخانه ریشمک، کاشی سازی حافظ و...

از کارخانه های بزرگی چون اوج، جنرال موتورز و نظایر آن تا واحدهای کوچک نظیر خیابان ها و نجاری ها و کفشی ها همه و همه نیاز مبرم به مواد اولیه دارند. نیازی به ذکر جزئیات و یا نمونه های به شمار دیگر نیست. مسئله این است که، چگونه باید این دشواری را از پیش پای برداشت؟

مردمانی که استقلال اقتصادی ما ایجاب می کند که در درآمدت بکوشیم تا با کشف و بهره برداری از منابع داخل کشور، ایجاد واحدهای پژوهشی، تربیت متخصصینی که از این آزمایشگاه ها و پژوهشگاه ها استفاده کنند و، بالاخر از آن، ایجاد صنایع تبدیلی لازم، که خود بخشی از صنایع ملی شکوفای ما خواهد بود، و برنامه ریزی های متناسب با آن، در آینده به خود کفایی نسبی برسیم. در این صورت ما دیگر ناگزیر نخواهیم بود از زنجیر و ماده سادشیمیایی تا پیچیده ترین دستگاه ها و مواد آنها را از دیگر کشورها وارد کنیم.

اما در حال حاضر و در کوتاه مدت باید بهر قیمت جلو رفته در تولید را گرفت، و این کار میسر نیست، مگر با دخالت موفرت و قاطع دولت. چگونه؟ با ملی کردن بازرگانی خارجی، با وارد کردن کالاها و مواد لازم - البته برترتیب اولویت - از کشورهای دوست و هوادار انقلاب ایران. می دانیم که خوشبختانه این روند هم اکنون آغاز شده است، ولی باید به آن سرعت داد. حتی يك روز تاخیر - از آنجا که کمترین زیان غیرقابل جبران آن بیکاری هزاران کارگر است - بهیچوجه جایز نیست.

برای این کار وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن، در درجه اول و بطور کلی دولت انقلاب باید هشتاد و پنج درصد بررسی کم و کیف مواد مورد نیاز صنایع کنند و نیز از سوی دیگر زمینه تامین آن را از طریق کشورهای قری خواهر و دوست انقلاب ما فراهم آورند.

باید جلو خورتیزی واحدهای تولیدی را گرفت. این کار را نمی توان به سرمایه داران بزرگ سپرد و نمی توان با شیوه های معمولی به انجام رسانید. هر نیاز انقلابی را باید با شیوه های انقلابی و بکلمک نیروهای انقلابی برطرف کرد.

کارگران جوشکار بسیار مشهد با تشکیل اتحادیه خویش در جبهه کار و پیکار فعالتر میشوند

میشود. نگاهداشتن نرخ نسیم جوش، از کارگران می خواهد که نسیم جوش را بیشتر از ۵۰ تومان نخرند. ۳- حداقل نرخ کار ۶۰ تومان در نظر گرفته شد، البته بطور موقت، تا پس از بررسی، نرخ مشخص اعلام شود. ۴- سندیکا علاوه بر اینکه از کارگران می خواهد که به سر کار کارگران جوشکار دیگر تروند، از این مسئله هم جلوگیری خواهد کرد. ۵- از کارگران خواسته شد که از خریدن «هوا» بمدت ۳ روز خودداری شود، تا سندیکا بتواند افزایش قیمت این کالا را بنفع کارگران از بین ببرد. ۶- سندیکا برای ثابت نگه داشتن نرخ نسیم جوش، از کارگران می خواهد که نسیم جوش را بیشتر از ۵۰ تومان نخرند. ۷- هر هفته روزهای جمعه، از ساعت ۹ الی ۱۱، مجمع عمومی جهت رسیدگی به مسائل و مشکلات تشکیل میشود. کارگران بانفاق موافقت خود را با این برنامه اعلام داشتند و در پایان گرد هم آمدند. تجاوز رژیم صدام و توطئه های امپریالیستی کارگران را محکوم کردند و آمارگی خود را برای کمک به دلاران جان برکف در جبهه نبرد و هرنوع کمک مالی و جانی اعلام کردند.

پس از تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام به مین و ما و بوجود آمدن مشکلاتی در زمینه مصرف مواد سوختی برای کارگران جوشکار سیار، این کارگران تنها چاره حل مشکلات را مشکل شدن دانستند و پس از مدتی تلاش، موفق به تشکیل سندیکای جوشکاران سیار شدند، که با نام «اتحادیه اسلامی کارگران جوشکار» شروع بکار کرده است.

در اولین جلسه ای که در پنجشنبه اول آبان ماه ۵۹، در محل نقابله جاده معروف به ستو و بلوار فردوسی تشکیل شد، ابتدا یکی از کارگران سخنانی پس از تجاوز نظامی رژیم سندیکا ایراد کرد، که مورد توجه کارگران قرار گرفت. سپس از طرف اتحادیه کارت به اعضا داده شد. دبیر اتحادیه نیز در مورد وظایف اتحادیه توضیحاتی داد و برنامه کار در لحظه کوتاهی را به شرح زیر اعلام کرد:

۱- بعلت جیره بندی بنزین، سهپه سندیکا، که ۴۰۰۰ لیتر در روز است، با توجه به تعداد اعضا، که حدود ۴۶۰ نفرند، بطور عادلانه تقسیم خواهد شد. ۲- مقدار روغن تحویلی به سندیکا ۸۰۰ لیتر در هفته است، که بطور عادلانه تقسیم

اعتراضات گسترده سیاهپوستان به تهرئه قاتل يك سیاهپوست در آمریکا
در شهر میامی در آمریکا، چندین روز است که نظارهات ضد نژادپرستی جریان دارد. علت این نظارهات اعتراضیه نهره پلیسی است که یکسال قبل يك سیاهپوست بام «آرتور ماندانی» را به قتل رسانده. سیاهپوستان قصد دارند بعلافت اعتراض به این تصمیم دادگاه آمریکا، در سراسر شهر راهپیمایی ترتیب دهند. پلیس و سربازان گارد ملی آمریکا، در ماه مه امسال، حکم سرکوبی نظارهات سیاهپوستان میامی، تقریبا ۲۰ نفر را کشته و دهها نفر را مجروح کرده بودند.
برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

کارگران سنگبری:

ما در شرایطی که آمریکا علیه انقلاب ایران توطئه میکند، تمام سختیها را تحمل میکنیم، تا بتوانیم بر دشمن پیر و زشویم

باچه زحمتی کار می کنیم و کارمان چه خطراتی دارد. بسا اینحال هیچگونه وسایل ایمنی نداریم. هر لحظه ممکن است قسمتی از کوه خراب شود و به کارگران آسیب برساند. تازه پس از این همه کار، مقدار سنگی هم که آماده می شود، واسطه ها ارزان می خردند.

سنگبرها برای زندگی کردن مجبورند از جان مایه بگذارند

در پانزده کیلومتری بوشهر، حوالی «دواس»، چند معدن سنگ وجود دارد. در این معدن کارگران سنگبر با ابتدای ترین وسایل، چون بیل و دیلم، برای بدست آوردن مایحتاج زندگی خود زمین را می شکافند، تا سنگها را بسورت قطعات کوچک در آورند. این سنگها به شهر حمل می-



پرهته و استوار چون سنگ: «اگر يك روز کار نکنیم، هیچ نداریم!»

وی ادامه می دهد: «چند روز پیش شخصی از طرف استانداری آمد و بر ایمان صحبت کرد. او گفت: این معادن باید پر شود و به مستضعفین واگذار گردد و شما باید محل دیگری را برای کار پیدا کنید. اما این برای ما خیلی مشکل است، زیرا باید نصف روز برای رفت و آمد صرف کنیم. در این رابطه به استانداری مراجعه کردیم. در آنجا معاون استانداری گفت: فعلا شما هینجا کار کنید به صاحبان زمین هم، که تاکنون ماهی ۱۵۰ تومان می گرفتند، هیچ پولی ندهید.»

وی در پایان گفت: «ما در شرایطی که آمریکا علیه انقلاب ایران توطئه می کند، تمام این سختیها را تحمل میکنیم، تا بتوانیم بر دشمن پیر و زشویم، تسلیم نشویم.»

بیمه کردن آنها، که از طریق عمومی کردن بیمه برای همه افراد جامعه امکان پذیر خواهد بود، - ایجاد محل کار و یا کار مناسب برای آنها،

- تامین حقوق حقه آنها طبق موازین انقلابی کارگری، که در گرو تصویب قانون کار است.

هشتم و غدهای دیگر از جوانان ما در مبارزه نظامی هستند.

اسماعیل زارعی، کارگر دیگر سنگبری، در حالیکه دستبسی پنهان خود را، که حکایت از کار طاقت فرسای آنها می کند، نشان می دهد، می گوید:

«آفتاب پدرمان را درمی آورد. گرمای اینجا از آتش جهنم بدتر است. یکی از همکاران ما در اثر گرما مریض شد، که او را به یکی از بیمارستانهای شیراز برده اند و تاکنون چندین هزار تومان برای بهبودی او خرج شده است. این کار خیلی مشکل است. ما از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستیم و هر روز باید کار کنیم. نه مرخصی، نه تعطیلی، نه بیمه و نه هیچ چیز دیگر.»

طبق اطلاع سازمان عسمران اراضی شهری استان بوشهر، قرار است زمینهایی را که کارگران سنگبر در آن مشغول کار هستند، برای ایجاد مسکن در اختیار این زحمتکش قرار گیرد. اسماعیل در این مورد می گوید:

«ما با این مسئله که معادن پر شود و در اختیار مستضعفین قرار گیرند، مخالف نیستیم. ما می گوئیم در این صورت، کاری به ما و واگذار شوند، تا بتوانیم متخارج روزانه خود را تأمین کنیم.»

به معدن دیگری سر می زنیم. کارگری که ۳۰ ساله بطرمی - آید و آثار کار سنگین برداشته و چهره اش مشاهده میشود. می گوید:

«کار کردن در اینجا خیلی سخت است. خودتان می بینید که

شوند، تا در ساختن آنها مورد استفاده قرار گیرند. سنگبرها بیشتر روستائینی هستند که در زمان رژیم سفور پهلوی، بعلت گرفتن زمینهایشان توسط بزرگان مالکان، به شهر روی آورده اند. برای آسایش با زندگی و مشکلات کارگران سنگبر، به یکی از معادن رفته و با آنها صحبت کردیم.

در این معدن پانزده کارگر کار می کنند. یکی از کارگران، که بیژرمدی است سهپه جرد، به سحت نامش نسیم. نامش محمد رهبریان است و هشت فرزند دارد. یکی از فرزندان نیز، که بنازیکی دوای سر بریزی را به انام رسانده است، در کنار وی کار می کند. محمد می گوید:

«کار ما جان کنده است. اگر يك روز کار نکنیم، درآمدی نداریم. کار ما بیشتر به توانایی افراد بستگی دارد. در تمام طول سال زیر آفتاب سوزان تابستان و بارانهای شدید زمستان جنوب، مجبوریم کار کنیم. در آوردن سنگ برایمان اتفاقی است. بعضی مواقع ممکن است در طی چند روز کار به سنگ دسترس پیدا نکنیم. تا حالا نیز بعلت اینکه کارگران محل کار ثابت ندارند، نتوانستیم برای بدست آوردن حقوقمان سندیکا تشکیل دهیم.»

وی درباره انقلاب و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام می گوید:

«ما تا آنجا که در توان داریم، از امام خستینی و جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنیم. الان ما در جبهه اقتصادی در حال جنگ

پاسخ وزارت مسکن و شهرسازی به نامه «مردم»

تیز منظور گردیده است. ۲- با توجه به بافت و توانایی های موجود دستگاه دولت و نیز تکنکها و مشکلات ناشی از آن، سرمایه گذاری دولتی در بخش مسکن نمی تواند تکیه گاه اصلی در برنامه های تامین مسکن قرار گیرد، لهذا ما بر این باوریم که بمنظور مشارکت و خودیاری و بسج هرچه بیشتر مردم محوز و منبع اصلی برنامه های تامین مسکن را بر تشکیل شرکتهای تعاونی مسکن قرار داده و دولت نیز در این جهت کمکهای مالی و سیاستهای تجویزی و تسویفی لازم را اعمال نماید،

و مشکلات بررسی نمود و بخش عمدهای از ایجاد مسئله در رابطه با حل مشکلات دیگر از جمله اجرای برنامه های توسعه اقتصادی قابل حل می باشد، متذکر می گردد.

۱- در آمار ذکر شده توسط وزیر مسکن و شهر سازی احتیاج به احداث ۶ میلیون واحد مسکونی در ۱۰ سال آتی جهت تامین مسکن، در مجلس شورای اسلامی تجدید بنای واحدهای مسکونی که از استاندارد قابل قبول برخوردار نمی باشد و نیز واحدهای مستهلک شده و فرسوده

روابط عمومی وزارت مسکن و شهرسازی در پاسخ مقاله نامه «مردم» زیر عنوان «حل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است» نامه ای بتاريخ ۱۳۵۹٫۹٫۱۴ شماره ۵۴۱۷۰ ارسال داشته است که در زیر عینا درج میشود:

پاسخ به: محل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است. با اطلاع میرساند. با تایید نظر کلی نویسنده مبنی بر اینکه مشکل مسکن را نمی بایست بریده از سایر مسائل

«انقلاب اسلامی» همزبان «شاهد»؟!!



یک روزنامه آلبانی نوشت:

مبارزه قدرت جنون آمیزی میان گروه‌های مختلف مائوئیستی چین جریان دارد

روزنامه چاپ آلبانی «زوی پوبولیت» نوشته است که محاکمات جاری در پکن یک نمایش مسخره غمناکیز است. این روزنامه نوشت: «این اصطلاح محاکمات با اینکه بدقت سرهم بندی شده است، اما نمی‌تواند مبارزه قدرت جنون آمیز را که از مدتها پیش میان گروه‌های مختلف مائوئیستی چین جریان دارد، پنهان سازد.»

ویتنام و الجزایر تاکید کردند:

باید چپمه متحدی علیه امپریالیسم، صیبه نوینسم و نژادپرستی تشکیل شود

دور نهایی مذاکرات میان ژنرال لنگون چپ، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و معاون نخست‌وزیر این کشور، با محامد شریف مساویه، مسئول دبیرخانه دائمی کمیته مرکزی چپ آرا دبخت الجزایر، در شهر الجزیره پایان یافت. در این مذاکرات همکاری‌های دوجانبه دو کشور و مسائل بین‌المللی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در طرف دیگر مذاکرات، ضمن اشاره به انعقاد رهبری دو کشور در زمینه مسائل مربوط به حمایت از مبارزه آزادیبخش ملی خلفای تحت‌تسلیم، لزوم تشکیل جبهه متحدی بین‌المللی مبارزه برای صلح و استقرار نظام انصافی جدید جهانی را مورد تاکید قرار دادند. دوطرف همچنین تاکید کردند که لازم است جبهه متحدی علیه امپریالیسم، صیبه نوینسم، استعمار و نژادپرستی تشکیل شود.

قبایل پشتو در افغانستان حمایت کامل خود را از دولت انقلابی کشور اعلام کردند

در شهر جلال‌آباد، مرکز ایالت ننگرهای افغانستان، معتمدان ایلی، ضمن ملاقات با مقام‌های دولتی کشور، حمایت خود را از برنامه‌های انقلابی دولت اعلام کردند. در قلمنامه‌ای که معتمدان ایلی به مقام‌های دولتی تسلیم کردند، ضمن حمایت از مرحله دوم انقلاب، بر تاکید شده است که دولت انقلابی کاملاً به مباحی دین مبین اسلام احترام می‌گذارد.

از سوی دیگر، بیول پستو، طی همین قلمنامه، انقلاب افغانستان را در خدمت توده‌های محروم دانسه و بزرگ‌کامل را یکمین دست انقلاب نامیدند. در این قلمنامه همچنین مداخله امپریالیسم و ارتجاع در امور داخلی افغانستان شدیداً محکوم و گفته شد: «بعضی آنکه تجاوز خارجی به افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی که برای کمک به حفظ استقلال و تمامیت ارضی افغانستان در آن کشور بسر می‌برند، خارج خواهد شد.»

تظاهرات گسترده زاغه‌نشینان برلن غربی برای مسکن

هزاران تن از زاغه‌نشینان شهر برلن غربی یار دیگر بخاطر کمبود شدید مسکن در شهر، به خیابانها ریختند و با برپاش تظاهرات گسترده، خواستار رسیدگی به وضع اسفبار زندگی خود شدند. در یک هفته گذشته دهها دستکد آبار، تان خالی از سوی اهوا بر خاسته و راه‌سیمان برلن غربی اشغال شده است. در جریان رده‌جوردهای خونین میان «افغانستان و مومورین پلیس، دهها تن جروح شدند. پلیس برلن غربی دهها تن دیگر را در یک هفته اخیر بازداشت کرده است.

همچنین اخیراً صدها «کراکر» یا زاغه‌نشین شهر آمستردام هلند بر دست به تظاهرات زدند. زحمکسان هلند بر در رسته مسکن شدیدا زیر فشار قرار دارند.

خرمگس در چند سینمانمایش داده میشود

در شماره ۲۷ آذر ۵۹ نامه «مردم»، در نقد فیلم «خرمگس»، نوشته بودیم که این فیلم تنها در یک سینما در تهران نمایش داده میشود. دوستان زیادی وار جمله مسئولان سینما «عصر جدید» توضیح دادند که این فیلم در سه سینمای تهران و چند سینمای شهرستان نمایش داده میشود. ما ضمن اطلاع خوشحوداً این امر، ائسنه خود را بدو سلفه با نوشتن - تصحیح مسکن - در شماره ۲۷ آذر ۵۹ نامه «مردم»، در نقد فیلم «خرمگس»، نوشته بودیم که این فیلم تنها در یک سینما در تهران نمایش داده میشود. دوستان زیادی وار جمله مسئولان سینما «عصر جدید» توضیح دادند که این فیلم در سه سینمای تهران و چند سینمای شهرستان نمایش داده میشود.

اسلامی مرجع، نامد «کوعله» و «بیکار» دید منی شود.

این روزنامه ضدانقلابی بن‌بر کن از مجانا توزیع میشود که امام جماعت آسان، پیوسته نیروها را به احاد علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا و پایکاده داخلی آن - در جمله منتشر کنندگان همین روزنامه - دعوت می‌کند. این روزنامه ضدانقلابی در حال آزار و ممتار میشود که از ارگانهای انقلابی جدا از است. نشریات ضدانقلابی جلوگیری می‌کند. ما جدا توجه حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، امام جمعه تهران، را به این توطئه ابرند. چن جلب می‌کند. ما جدا از وزیر ارشاد اسلام می‌خواهیم که منبع ار انتر این روزنامه ضدانقلابی شوند، که حتی امبار هم ندارد. ما جدا از ارگانهای انقلابی می‌خواهیم که با شناسایی گردانندگان این روزنامه ضدانقلابی، یکی از کنونهای ضدانقلاب را کسب کند و دستا سرکان آن را تحت تعیب قرار دهد.

اسلامی مرجع، نامد «کوعله» و «بیکار» دید منی شود. این روزنامه ضدانقلابی بن‌بر کن از مجانا توزیع میشود که امام جماعت آسان، پیوسته نیروها را به احاد علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا و پایکاده داخلی آن - در جمله منتشر کنندگان همین روزنامه - دعوت می‌کند. این روزنامه ضدانقلابی در حال آزار و ممتار میشود که از ارگانهای انقلابی جدا از است. نشریات ضدانقلابی جلوگیری می‌کند. ما جدا توجه حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، امام جمعه تهران، را به این توطئه ابرند. چن جلب می‌کند. ما جدا از وزیر ارشاد اسلام می‌خواهیم که منبع ار انتر این روزنامه ضدانقلابی شوند، که حتی امبار هم ندارد. ما جدا از ارگانهای انقلابی می‌خواهیم که با شناسایی گردانندگان این روزنامه ضدانقلابی، یکی از کنونهای ضدانقلاب را کسب کند و دستا سرکان آن را تحت تعیب قرار دهد.

یک خبر بسیار موق

تودوایها قصد کودتا دارند

و نظی شان از انتشار کودتای جعلی دربار

انحراف افکار عمومی است!

اخبار بسیار موق که بدست ما افتاده فاش کرده است که حزب توده، در نظر دارد، از موقیعت فعلی استفاده کرده و دست بیک کودتای کمونیستی بزند.

طبق تحقیقاتی که بعمل آمده، و گزارشاتی که بخود دولت (دولت موافق حزب توده) رسیده، تماماً تایید می‌کند که از اواسط

شامد، ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

راز سلطنت و اعلام ختم رژیم

رحله عمل در آید

ست که باید جان نشین

گردن

حزب (توده) بولند. حزب

و جودیش روانه ساخت

مردم ایران بیدار باشید!

حزب توده ایران، نقشه کشیده، میخواهد از خارج کشور دربار را در دست بگیرد و در آورده تا بیگانگان و شرکت‌های خارجی بتوانند در داخل و خارج کشور از آن بهره‌برداری کنند.

رونامه‌های ارجاع اطلاعات، سه و دو هفته پیش، حزب توده را در دست می‌گیرد و در باره معده در دست، از طریق اخبار، به اطلاع می‌رساند.

ماتی که در باره معده در دست، از طریق اخبار، به اطلاع می‌رساند.

بیکار، درست رازین را نرسو، مرزها را بزرب خواهد کرد.

آنها، که زیر پوشش مدافعه از مصدق و جنبش ملی ایران، خود را پنهان کرده بودند، خود به تحریکات، ایجاد درگیری و تئج دست می‌زدند، برای کودتا تدارک می‌دیدند، ولی برای پنهان ساختن این توطئه خائنه، به دروغ‌سازي و اتهام‌زنی علیه حزب توده ایران - که با تمام قوا از دکر مصدق پشتیبانی می‌کرد و خواستار پایان دادن به تفرقه‌بانی مسئولین و از همه مهتر میان دکر مصدق و آیت‌الله کاشانی بود، اقدام می‌کردند و وی را عامل انحلال و آشوب، معرفی می‌نمودند.

این نشریات در انحراف افکار عمومی از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ و شکست جنبش ملی ایران نقش بزرگی ایفا کردند و خدمات موقری به امپریالیسم آمریکا و شاه مخلوع عرضه کردند.

«نیروی سوم»، ارگان حلیل ملکی، در ۲۸ مرداد ۳۲، در سادغه نخست می‌نوشت: «حزب توده طبق نقشه معینی میخواهد اوضاع کشور را به مدتی است که مائوئیست‌های آمریکایی «پیام جمعه» منتشر می‌سازند و آن را بطور رایگان بین نمازگزاران جمعه توزیع میکنند. این روزنامه، که بر اساس اطلاعات موق، امتیاز ندارد و بطور غیر قانونی چاپ میشود، علاوه بر توزیع بین نمازگزاران، توسط عوامل پسمتلاح حزب آمریکایی - چینی «رنجران» در سراسر تهران بطور مجانی پخش می‌شود. منتشر کنندگان این روزنامه، که دقیقا معکس گذشته نظریات «سواک» و «سپاو» «رنجر» است، قبلا سازمانی قلابی زیر نام «اسلام» بوجود آورده بودند، هنگامیکه ماهیت ضدانقلابی این سازمان فاش شد، «رنجر»ها آن را منحل کردند و بعد از مدتی دست به انتشار «پیام جمعه» زدند.

گرداننده این روزنامه ضدانقلابی یکی از حادقاران معروف است که عضو حزب آمریکایی - چینی «رنجران» است و رهبری حمله به اجتماعات و کتابفروشیها را، زیر نام «اسلام»، برعهده داشته و دارد.

* سر مقاله مورخ ۲۹ آذر ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی» بلافاصله از رادیو اسرائیل پخش شد و خبرگزاری‌های امپریالیستی آنرا با آب و تاب مفابره کردند

انقلاب اسلامی

افشای تئوریهای حزب توده

برای ایجاد اخلاص و آشوب در ایران

تئوری احمیبهائی

روزنامه «انقلاب اسلامی»، درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و کلیه وابسکان داخلی آن به تدارک توطئه عظیمتری علیه انقلاب و جنبش ملی ایران برخاسته‌اند و برای منحرف کردن افکار از خط این توطئه، تسخیر دامن می‌زنند، درگیری پدید می‌آوردند و مردم را در مقابل یکدیگر قرار میدهند، به افرازی و دشمنگویی علیه حزب توده ایران روی آورده است. عملی که تنها دشمن را سرور مسززد و انظار را از توطئه‌های خطرناک امپریالیسم ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکا، منحرف می‌کند.

روزنامه «انقلاب اسلامی»، در شماره مورخ ۲۹ آذرماه ۵۹، در سرمایه خویش، حزب توده ایران را «سید مسکن» که در «نمونه مرسوم ارگان مرکزی حزب توده ایران» دارد، اسماعز و مدیر مسئول: منوچهر نیرزادی حیابان ۱۶ آذر شماره ۱۸ (دفتر نامه «مردم» توزیع در اختیار نامه «مردم» نیست) NAMEH MARGOL No. 401 22 Decem

Price: West-Germany, France, Austria, England, Belgium, Italy, U.S.A., Sweden

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند آدرس زیر با نامه «مردم» بفرستند:

صندوق پستی ۳۵۵۹، ۵۱/ منطقه ۱۵ پستی تهران

قابل توجه امام جمعه تهران و وزیر ارشاد اسلامی:

ورق پاره‌ای ضد انقلابی بنام «پیام جمعه»،

مجانا در بین نمازگزاران توزیع میشود

* مائوئیست‌های آمریکایی «رنجر» زیر نام «اسلام»، ورق پاره‌ای را، که امتیاز ندارد و گرداننده آن یکی از رهبران چاقداران است، در سطح وسیع منتشر و بطور مجانی توزیع می‌کنند.

* ما جدا از مقامات مسئول می‌خواهیم که از انتشار این ورق پاره ضدانقلابی، که زیر نام «اسلام» به تفرقه‌افکنی بسود آمریکا مشغول است، جلوگیری کنند.

این چاقدار که در دانسه تهران و اطراف آن بسیار معروف است، خود را «سخت‌فکر» و «مدافع اسلام» معرفی کرده و زیر این پوشش، نقشه سیا و ساوا را برای ایجاد تسخیر و درگیری به اجرا درمی‌آورد. همین فرد «سخت‌فکر» هر هفته هزاران نسخه روزنامه را چاپ و مجانی بین نمازگزاران توزیع می‌کند. از همین‌جا روشن است که بودجه این روزنامه ضدانقلابی از کجا تامین می‌شود.

این چاقدار که در دانسه تهران و اطراف آن بسیار معروف است، خود را «سخت‌فکر» و «مدافع اسلام» معرفی کرده و زیر این پوشش، نقشه سیا و ساوا را برای ایجاد تسخیر و درگیری به اجرا درمی‌آورد. همین فرد «سخت‌فکر» هر هفته هزاران نسخه روزنامه را چاپ و مجانی بین نمازگزاران توزیع می‌کند. از همین‌جا روشن است که بودجه این روزنامه ضدانقلابی از کجا تامین می‌شود.